



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پروژه اطلاع‌رسانی و مدارک علمی ایران



اصطلاحات رسم‌نویسی برای سیاست‌های

تدوین و اجرای سیاست اصطلاح‌شناسی

در جوامع زبانی

شناسی



مترجم: نگار دلوری اردکانی

ابوالفضل زرنبیخی

مقدمه مترجمان

گاهی اینطور تصور می‌شود که اگر زبان علم در همه کشورهای جهان زبان واحدی باشد، از اتلاف وقت و هزینه جلوگیری می‌شود و دادوستدهای علمی نیز با سهولت بیشتری صورت می‌گیرد. اما این تنها ظاهر قضیه است چرا که زبان هر جامعه‌ای برشی به واقعیات جهان هستی می‌زند و برداشت خاص خود را از آن بیان می‌کند. به عبارت دیگر، هر زبانی از زاویه دید خود به پدیده‌های جهان می‌نگرد و تعبیر و تفسیر و بازگو می‌کند و این بسیار تأمل‌برانگیز است. زبان علم در هر جامعه‌ای تحت تأثیر عوامل اجتماعی و شناختی آن جامعه شکل می‌گیرد و در همان چارچوب نیز بسط و گسترش می‌یابد. از سوی دیگر، امروزه جامعه بشری با پدیده انقراض زبان‌ها مواجه است و از بین رفتن هر زبانی از یاد رفتن بخشی از دستاوردهای دانش بشری را به دنبال دارد.

این راهنما به منظور سیاست‌گذاری برای سامان‌دهی و رواج اصطلاحات علمی طرحی را پی‌ریزی می‌کند که حاصل تجارب برنامه‌ریزان زبان و اصطلاح‌شناسان کشورهای مختلف است. هدف ما نیز از ترجمه آن، که در نوع خود از اولین کارهایی است که به زبان فارسی برگردانده می‌شود، جلب توجه جامعه علمی و، مهمتر از همه، سیاست‌گذاران کشور به مسئله برنامه‌ریزی زبان و سیاست‌گذاری برای

اصطلاحات علمی است. زبان با نگاهی مبتنی بر استدلال‌هایی که در این راهنما از آنها بحث می‌شود در سرنوشت ملتها تأثیرگذار است. به قول لایبنیتس زبان و ملت توأم با هم شکوفا می‌شوند. بنابراین، اگر بخواهیم اصولی بیندیشیم، سیاستگذاری برای زبان باید در بدنه سیاستگذاری‌های کشور قرار گیرد.

لازم می‌دانیم مراتب سپاس خود را از کسانی که در ترجمه این راهنما همراه و گره‌گشای ما بودند ابراز کنیم: کریستین گالینسکی، رئیس اینفوترم و مدیر طرح، سو الن رایت، استاد دانشگاه کنت استیت آمریکا که پرسش‌هایمان را بی‌درنگ پاسخ می‌داد و از هیچ لطفی دریغ نکرد، آینا دراما و دوروته آیشفلدر از پژوهشگران اینفوترم. گرچه همه تلاش خود را به‌کار گرفتیم، اما منکر خطاها و لغزش‌های احتمالی نیستیم. بنابراین، هر نقدی را به دیده منت می‌پذیریم و از آن به هوشیاری و تیزبینی جامعه علمی یاد خواهیم کرد.

درایت جناب آقای دکتر حسین غریبی، ریاست محترم سازمان اطلاعات و مدارک علمی ایران، و سرکار خانم ملوک‌السادات حسینی بهشتی، مدیر محترم گروه اصطلاح‌شناسی، و اشراف آنان به اهمیت مسئله سبب شد تا سازمان در چاپ و انتشار این اثر همت گمارد. از همکاری این بزرگان صمیمانه سپاسگزاریم و امیدواریم بتوانیم ترجمه

سایر آثاری را که در این حوزه در نظر گرفته ایم با حمایت‌های این سازمان به جامعه علمی و فرهنگی کشور تقدیم کنیم.

نگار داوری اردکانی
n.davari@yahoo.com
ابوالفضل زرنیخی
abolfazl.zarnikhi@upf.edu

مقدمه مدیر طرح

این راهنما برای برنامه‌ریزان حوزه اصطلاحات در هر سطح و با هر هدف و انگیزه‌ای مفید و قابل استفاده است. در واقع این راهنما برای طرح‌ریزی، برنامه‌ریزی و اجرای سیاست‌گذاری تهیه شده است که با روی‌کردی آگاهانه، سامانند و کنترل‌شده در صدد وضع، حفظ و کاربرد اصطلاحات در جوامع زبانی معین‌ی‌ا برای چنین جوامعی است.

برنامه‌ریزی اصطلاحات در بسیاری از کشورها فعالیتی مهم قلمداد می‌شود و در سطح ملی، منطقه‌ای، کشوری، محلی، نهادی یا سازمانی انجام می‌گیرد. درضمن، این کار در حوزه‌های تخصصی مختلف مانند شیمی، زیست‌شناسی، فیزیک، پزشکی و ... نیز انجام می‌شود. به علاوه، کار اصطلاح‌شناسی جزئی از فعالیت‌های معیارسازی و هماهنگ‌سازی در صنعت و در سایر حوزه‌هاست. از طرف دیگر، قانون‌گذاری همواره مستلزم پرداختن به تعریف اصطلاحات است. ضرب‌المثلی قدیمی نیز می‌گوید «آنچه را نتوان فهمید نمی‌توان نظم بخشید.»؛ به عبارت دیگر، آنچه «تعریف نشده باشد» به نظم هم در نمی‌آید.

سیاست‌گذاری برای اصطلاحات یا تعیین راهبردهای آن، به ویژه در سطح ملی، مستلزم توجه به مسائل پیچیده زیر است:

- عوامل جمعیت‌شناختی

- عوامل فرهنگی، قومی – زبانی و جغرافیایی – زبانی
 - عوامل اجتماعی – روان‌شناختی
- لحاظ کردن مجموعه این عوامل می‌تواند تأثیر به‌سزایی در موفقیت برنامه‌ها داشته باشد. البته باید توجه داشت که کیفیت و کمیت این عوامل در طول زمان تغییر می‌کند و این نکته‌ای است که باید مورد توجه برنامه‌ریزان اصطلاحات در هر جامعه قومی و زبانی قرار گیرد.
- برنامه‌ریزی اصطلاحات در دهه‌های اخیر در سطوح زیر انجام شده است:
- در سطح ملی، منطقه‌ای یا محلی
 - سازمان‌های بین‌دولتی¹
 - سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن)² بین‌المللی
 - نهادها و سازمان‌های بزرگ (مثلاً شرکت‌های چندملیتی)
- این برنامه‌ریزی‌ها را می‌توان در گستره‌های زیر مشاهده کرد:
- در جوامع زبانی، مثلاً برای توسعه زبان‌های تخصصی³؛
 - در حوزه‌های تخصصی، مثلاً برای ترویج پژوهش و توسعه؛ و اخیراً در
 - کاربردهای جدید در تجارت الکترونیکی، تلفن همراه، آموزش

1. intergovernmental organizations (IGOs)
 2. non-governmental organizations (NGOs)
 3. special purpose languages (SPLs)

الکترونیکی، بهداشت الکترونیکی، علوم الکترونیکی، دولت الکترونیکی و سایر فعالیت‌های موسوم به فعالیت «الکترونیکی».

در سطح راهبردی، تأثیر مثبت برنامه‌ریزی سامانند اصطلاحات، به‌ویژه سیاست‌گذاری‌های آن، بر سیاست‌های مربوط به اطلاعات، دانش‌یا نوآوری و همچنین راهبردهای آموزشی امری قطعی است. در نتیجه این آگاهی، امروزه کشورها و جوامع زبانی تبیین سیاست‌های سامانند اصطلاحات (شامل راهبردهای برنامه‌ریزی اصطلاحات) را برای افزایش قدرت رقابت خود بیش از پیش ضروری می‌دانند. در این شرایط، سیر پرشتاب جهانی شدن باید با سیر پرشتاب محلی‌سازی، یعنی ترجمه و اقتباس مطابق با هنجارهای فرهنگی و زبانی، تکمیل شود.

پیشگفتار

اقدامات بسیاری برای نشان دادن اهمیت اصطلاحات در روند توسعه صورت گرفته است. مثلاً در سطح منطقه‌ای، **منشور اروپا برای زبان‌های محلی یا اقلیت** (1992) نمونه بسیاری بارزی از این اقدامات است که به مسئله اصطلاحات می‌پردازد و بر ارزش چندفرهنگی و چندزبانگی نیز تأکید می‌کند. این منشور حفظ و ترویج زبان‌های اقلیت را با حفظ جایگاه زبان‌های رسمی کاملاً همسو می‌داند.

یونسکو از سال 2000 برای بالابردن سطح آگاهی مردم درباره نقش زبان در رفع شکاف دیجیتالی و ایجاد جوامع دانش‌فعالیت‌های خود را افزایش داده است. شکاف دیجیتالی معمولاً نتیجه نابرابری در دسترسی به اطلاعات و دانش است که خود ناشی از نابرابری‌های زبانی است. ناکارآمدی و کمبود اصطلاحات از جمله عوامل اساسی در ایجاد این نابرابری‌هاست که منجر به «بی‌سوادی کارکردی»¹ در حوزه دسترسی به اطلاعات و استفاده از رایانه می‌شود. در برنامه میان‌بخشی² و چندرشته‌ای یونسکو با عنوان **آی‌دی‌شی‌تی‌و**

1. functional illiteracy

2. این واژه معادل «intersectional» است؛ یعنی، برنامه‌ای که بخش‌های مختلف آموزشی، علوم طبیعی، علوم اجتماعی و انسانی و... یونسکو درگیر اجرای آن هستند. (توضیحات از دراما)

بی‌بل¹ بر اهمیت چندفرهنگی و چندزبانگی در عصر اینترنت تأکید شده است؛ **اعلامی** **جهانی تنوع فرهنگی** (2001) نیز بی‌انگر اهمیت این مسئله است.

یونسکو برای گسترش دسترسی همه زبان‌ها به محتوای الکترونیکی²، افزایش مهارت‌های زبانی کاربران، و ایجاد و توسعه ابزارهایی برای دسترسی چندزبانه به اینترنت نیز اقداماتی انجام داده است. این عزم یونسکو با انتشار **پیشنهادنامه ارتقا و کاربرد چندزبانگی و دسترسی جهانی به ارتباطات الکترونیکی**³ (مصوب مجمع عمومی یونسکو در پاریس، اکتبر 2003) تقویت شد. در بحث‌های جانبی، هنگام تهیه این پیشنهادنامه که تبیین‌کننده استانداردهاست، بر این نکته که زبان مهم‌ترین ابزار ارتباط بین انسان‌ها بوده و خواهد بود تأکید شده است. این پیشنهادنامه همچنین دربرگیرنده مسائل مربوط به اصطلاحات، همراه با توسعه و تقویت محتوای چندزبانه، ارتباطات تخصصی، اطلاعات و دانش است.

یونسکو در ادامه روندی که «گردهمایی سران جهان درباره جامع‌ه اطلاعاتی» آغازگر آن بود پیوسته بر نقش زبان و به‌ویژه بر مسائل مربوط به چندزبانگی

-
1. Initiative B@bel
 2. e-content
 3. cyberspace

به عنوان ارکان اصلی تنوع فرهنگی و دسترسی جهانی به اطلاعات و دانش تأکید کرده است. بنابراین، برای جوامع دانش در حال توسعه گسترش اصطلاحات در آموزش، علوم و فرهنگ از اهمیت فراوانی برخوردار است.

آمار متفاوتی درباره تعداد زبان‌های زنده جهان گزارش شده است، که به طور متوسط (بدون احتساب گویش‌ها و گونه‌های محلی) چیزی بین 6000 تا 7000 است. شواهد تجربی بسیاری دلالت بر این دارند که بین رفاه اجتماعی - اقتصادی هر جامعه و کاربرد زبان مادری در حوزه‌های فرهنگی، علمی و تجاری رابطه تنگاتنگی وجود دارد. کسانی که زبان مادری‌شان از نظر اصطلاحات و زبان‌های تخصصی (آنطور که باید و شاید) توسعه نیافته است یا آنها که از به کار بردن زبان مادری خود در آموزش، دسترسی به اطلاعات یا تعامل در محیط‌های کاری منع شده‌اند مردمی محروم تلقی می‌شوند.

جوامع زبانی کوچکتر (شامل انواع اقلیت‌های زبانی) برای اینکه از نظر توسعه علمی - فنی و اقتصادی - صنعتی به حاشیه رانده نشوند باید بیشتر از جوامع بزرگتر اطراف خود کوشش کنند، در غیر این صورت ممکن است در نهایت دچار رکود اجتماعی - اقتصادی شوند. معمولاً وقتی کاربرد یک زبان فقط به فرهنگ عامه و

محیط خانه محدود شود در ارتباطات تخصصی ناکارآمد خواهد شد. همچنین، زبانی که دچار کمبود اصطلاحات در برخی حوزه‌هاست، به مرور زمان، توانایی برقراری ارتباط در آن حوزه خاص را از دست می‌دهد. بنابراین، اجرای سیاست‌گذاری برای چینی جوامع زبانی از جمله اقدامات برنامه‌ریزی زبان است. برنامه‌ریزی (مداوم) برای اصطلاحات در بیشتر جوامع زبانی — یا حتی همه آنها — و جلب حمایت‌های قانونی، مالی و اجرایی امری ضروری است.

هدف این راهنما ارائه ابزاری روشن‌تر برای تدوین و اجرای سیاست‌گذاری بر مبنای فعالیت‌های تثبیت‌شده برنامه‌ریزی زبان است. این راهنما طوری طراحی شده است که برای همه کشورها و جوامع زبانی سودمند باشد؛ چه آنهایی که در حال توسعه‌اند و اصطلاحاتشان هنوز پرورده نشده است و چه آنهایی که توسعه یافته‌اند و دارای اصطلاحات کاملاً رایج و فعالیت‌های گسترده در حوزه اصطلاحات هستند و بازارهایی برای عرضه محصولات و خدمات اصطلاح‌شناسی دارند.

در کشورها و مناطقی که دو یا چند جامعه زبانی در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند و با هم تعامل دارند باید

سیاست‌گذاری اصطلاحات با توجه به این وضعیت انجام شود. حوزه اصطلاحات نیز مانند زبان (به مفهوم عام) حوزه‌ای بحث‌انگیز است، به ویژه زمانی که پای چند جامعۀ زبانی در میان باشد. در چنین مواردی اعلامیۀ جهانی حقوق بشر (1948)، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (1966)، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (1966) و اعلامیۀ حقوق اقلیتهای ملی، قومی، دینی و زبانی سازمان ملل (قطعنامه 47/135 به تاریخ 18 دسامبر 1992) می‌توانند بسیار راهگشا باشند.

با توجه به آنچه گفته شد و با در نظر گرفتن این واقعیت که اصطلاحات مؤلفۀ ضروری سواد اطلاعاتی هستند — که شامل سواد کارکردی، سواد رسانه‌ای، سواد دیجیتالی و... هم می‌شود — یونسکو برای سازمان‌دهی گروهی از متخصصان با هدف تهیه **راهنمای سیاست‌گذاری برای اصطلاحات علمی** قرارداد با اینفوترم منعقد کرد؛ این راهنما چارچوبی ساماندهی در اختیار تصمیم‌گیرندگان و سیاست‌گذاران قرار می‌دهد تا بتوانند چنین سیاست‌گذاری برای توسعه درازمدت و پایدار کشورها و جوامع زبانی خود تدوین کنند. مؤلفان این اثر هر یک پیشینۀ فرهنگی و اجتماعی متفاوتی دارند و همچنین دارای تجارب گوناگونی در زمینۀ طرح‌ریزی، برنامه‌ریزی و اجرای

سیاست‌گذاری هستند که عصاره آن در این راهنما گنجانده شده است.

مؤلفان

آلبرتس، ماري يتا¹ (پن سالب²/ آفريقي جنوبي)
 آنتيا، بسي³ (دانشگاه مايدوگري⁴ /
 نيچريه)
 آكسوريوت، آلبينا⁵ (ليتواني)
 بودين، گرهارد⁶ (دانشگاه وين / اتریش)
 چن، نليدا⁷ (كانادا)
 دراما، آنيا⁸ (اينفوترم⁹ / آلمان)
 گالينسكي، كريستين¹⁰ (اينفوترم / اتریش)
 گوا، چوانجی¹¹ (چين)
 هكتور، پل¹² (يونسكو)
 هنگ، گوي - هيون¹³ (كره)
 پاپاوف، سرگي¹⁴ (وي نيكی¹⁵ / روسيه)
 پلستد آلوارس، ماریا سيسيليا¹⁶
 (آيكونتك¹ و دانشگاه آنتيوکيا² /
 كلمبيا)

-
1. Alberts, Marietta
 2. PanSALB= Pan South African Language Board
 3. Antia, Bassey
 4. Maiduguri
 5. Auksoriute, Albina
 6. Budin, Gerhard
 7. Chan, Nelida
 8. Drame, Anja
 9. Infoterm
 10. Galinski, Christian
 11. Guo, Chuanjie
 12. Hector, Paul
 13. Hong, Gwi-Hyeon
 14. Papaev, Sergey
 15. VNIKI
 16. Plested Alvarez, Maria Cecilia

پوستا، یانوش³ (مجارستان)
ریتسار، بوهدان⁴ (اوکراین)
رایت، سو الن⁵ (دانشگاه کنت استیت⁶)،
مؤسسه زبان‌شناسی کاربردی / آمریکا

-
1. ICONTEC
 2. Antioquia
 3. Pusta, Janos
 4. Ritsar, Bohdan
 5. Wright, Sue Ellen
 6. Kent State

فهرست مطالب

1	مقدمة مترجم
3	مقدمه مدیر طرح
5	پیشگفتار
9	مؤلفان
13	1- تأثیر جهانی شدن بر زبان
16	2- مفاهیم بنیادی
	3- برنامه‌ریزی زبان و برنامه‌ریزی
19	اصطلاحات
19	3-1- برنامه‌ریزی زبان
	3-1-1- مروری بر نظریه برنامه‌ریزی
19	زبان
	3-1-2- نیاز به برنامه‌ریزی زبان ..
	3-1-3- اهداف کوتاه‌مدت برنامه‌ریزی
23	زبان
	3-2- برنامه‌ریزی اصطلاحات
	3-2-1- روش‌های اصطلاح‌سازی در
26	برنامه‌ریزی اصطلاحات
	3-2-2- اصطلاح‌شناسی توصیفی و تجویزی
29	3-2-3- مدیریت اصطلاحات
30	3-2-3- مدیریت اصطلاحات
	4- تدوین و اجرای سیاست‌گذاری
34	4-1- تدوین سیاست‌گذاری
	4-2- اجرای سیاست‌گذاری
35	4-3- پرورش نیروی انسانی
36	4-4- نقش مؤسسات ملی اصطلاح‌شناسی
38	4-4- نقش مؤسسات ملی اصطلاح‌شناسی
	4-5- ابتکارات بخش خصوصی
41	4-5- ابتکارات بخش خصوصی
48	5- تهیه، تدوین و اجرای سیاست‌گذاری ...

- 5-1-1- مرحله 1- زمینه‌سازی برای سیاستگذاری 49
- 5-1-1-1- ارزیابی محیط‌زبانی و اصطلاحی 50
- 5-1-1-2- تلاش برای افزایش میزان آگاهی مردم 51
و به رسمیت شناخته‌شدن
- 5-1-1-3- توصیه‌های در مورد روش و روال کار 52
- 5-1-1-4- تهیه اسناد اولیه 52
- 5-1-1-5- سازمان‌دهی روال مشاوره در سطح جامعه 53
- 5-2-1- مرحله 2- تدوین سیاستگذاری 54
- 5-2-1-1- تهیه پیش‌نویس سیاستگذاری 55
- 5-2-2- هماهنگ‌سازی برنامه‌ریزی اصطلاحات 55
با دیگر سیاست‌های برنامه‌ریزی راهبردی
- 5-2-3- برنامه اجرای سیاستگذاری ... 56
- 5-2-4- ارائه اسناد سیاستگذاری برای اصطلاحات 57
و برنامه اجرای آن
- 5-2-5- تصمیم‌گیری در باره اسناد نهایی برای 58
سیاستگذاری و برنامه اجرای آن
- 5-3-1- مرحله 3- اجرای سیاستگذاری 59
- 5-3-1-1- مدیریت اجرای سیاستگذاری .. 59
- 5-3-2- برنامه‌ریزی عملیاتی و سازمانی مرحله 60

اجرای سیاست‌گذاری

- 61 3-3-5- تبلیغ و ترویج
- 61 4-5- مرحله 4- استمرار بخشیدن به
- 61 زیرساخت‌های اصطلاحات
- 63 چکیده
- 63 ضمیمه — اصطلاحات به‌کار رفته در این
- 66 راهنما
- 70 گزیده منابع

راهنمای سیاستگذاری برای اصطلاحات علمی
تدوین و اجرای سیاستگذاری در جوامع
زبانی

سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی
ملل متحد پاریس، 2005
زبان اصلی: انگلیسی (CI-2005/WS/4)

راهنمای سیاستگذاری برای اصطلاحات علمی

تدوین و اجرای سیاستگذاری در جوامع
زبانی

تهیه‌کننده : اینفوترم

2005

سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل
متحد

راهنمای سیاست‌گذاری برای اصطلاحات
علمی:
تدوین و اجرای سیاست‌گذاری در جوامع
زبانی
اینفوترم
یونسکو (پاریس، 2005)

ترجمه: نگار داوری اردکانی و ابوالفضل
زرنیخی

1. تأثیر جهانی‌شدن بر زبان‌ها

زبان اصلی‌ترین ابزار ارتباط میان انسان‌هاست و امروزه بیش از پیش نقش مهمی در ارتباط انسان - ماشین و ماشین - ماشین ایفا می‌کند. زبان این‌گونه که در هزارهٔ اخیر شکوفایی انسان ظهور کرده پدیده‌ای بسیار پیچیده است. بر خلاف باور عامهٔ مردم، زبان چیزی بیش از ابزار انتقال اطلاعات است. زبان از بعد فرهنگی ارتباط تنگاتنگی با هویت جوامع و افراد دارد. به این ترتیب، تعجب‌آور نیست که گاهی مردم با نگرشی عاطفی به مسائل زبانی می‌نگرند.

زبان‌شناسی بین زبان عمومی¹ (یا زبان روزمره) و زبان تخصصی تمایز قائل است. گرچه این سند جنبه‌های عاطفی و فرهنگی را از نظر دور نمی‌دارد، اما بیشتر به زبان تخصصی می‌پردازد و برای آن سه نقش قائل است:

- ایجاد ارتباطات حوزه‌ای
- بازنمایی دانش تخصصی
- دسترسی به اطلاعات تخصصی

منظور از «زبان‌های تخصصی» زبان حوزه‌های مختلف علمی - فنی است. اعضای این حوزه‌ها عموماً بر سر قراردادهای زبانی خود توافق دارند؛ البته این قراردادها لزوماً با قراردادهای زبان عمومی یکسان نیستند. از آنجا که جوامع مدرن شدیداً

1. general purpose language (GPL)

تحت تأثیر توسعه علم و فناوری هستند، زبان‌های تخصصی تأثیر بسزایی بر توسعه زبان عمومی این جوامع دارند.

چون علم و فناوری زیربنای توسعه اجتماعی و اقتصادی است، تعامل بین زبان و فعالیت‌های اقتصادی امری کاملاً بدیهی است، به طوری که «توان نسبی» زبان جامعه معمولاً پس از مدتی عملکرد اقتصادی آن جامعه را بازتاب می‌دهد. بنابراین، امروزه زبان تخصصی در مباحث نظری و عملی برنامه‌ریزی زبان جایگاه بسیار برجسته‌ای یافته است اما با توجه به پیچیدگی بیش از حد برنامه‌ریزی زبان که هم زبان عمومی و هم زبان تخصصی را دربرمی‌گیرد بهتر است این دو حوزه از هم جدا شوند. با این تدبیر بهتر می‌توان برنامه‌ها را اجرا و پی‌گیری نمود. به این ترتیب، برنامه توسعه زبان ملی بر توسعه زبان عمومی مبتنی است و به برنامه توسعه اصطلاحات ملی برای توسعه سامانند زبان تخصصی (عمدتاً با برنامه‌ریزی اصطلاحات) نیز کمک می‌کند.

بدیهی است که اصطلاحات عناصر اصلی سازنده زبان تخصصی هستند و، به همین دلیل، هر گاه مسئله دانش و اطلاعات تخصصی به میان آید، اصطلاحات نیز نقش بسزایی در آن خواهند داشت:

- در تولید دانش و اطلاعات تخصصی (مثلاً در پژوهش و توسعه)

- در به‌کارگیری دانش و اطلاعات تخصصی (مثلاً در متون تخصصی)
 - در ثبت و پردازش دانش و اطلاعات تخصصی (مثلاً در پایگاه داده‌ها)
 - در انتقال دانش و اطلاعات تخصصی (مثلاً در آموزش عملی و نظری)
 - در اجرای دانش و اطلاعات تخصصی (مثلاً در فناوری و انتقال دانش)
 - در ترجمه و تفسیر دانش و اطلاعات تخصصی
- در نتیجه، امروزه باید به برنامه‌ریزی اصطلاحات از چشم‌اندازی بسیار وسیع‌تر، یعنی از دید نوآوری، اطلاعات، دانش و حتی راهبردهای محتوای الکترونیکی نگریست. زبانی که اصطلاحات علمی و فنی لازم را ندارد به ناچار باید در ارتباطات تخصصی از اصطلاحات زبان‌های خارجی توسعه‌یافته‌تر استفاده کند. از آنجا که امروزه بار اصلی ارتباطات به عهده فناوری اطلاعات و ارتباطات (فاوا)¹ است، نبود اصطلاحات مناسب، بی‌تردی به‌طور غیر مستقیم، باعث شکاف دیجیتالی می‌شود که ممکن است به صورت‌های گوناگونی بروز کند.
- توسعه سریع جوامع دانش‌مرهون رشد فناوری اطلاعات و ارتباطات (فاوا) است، به‌ویژه، به دلیل تلاقی دو حوزه‌ی مخابرات

1. information and communication technology (ICT)

و فناوری رایانه و با یکی شدن تدریجی دو حوزه کاربری سیار رایانه و ارتباطات سیار¹. با فراگیرتر شدن فناوری اطلاعات و ارتباطات (فاوا) نیاز به روش‌هایی کارآمد برای بهره‌گیری بهینه از این فناوری‌ها رو به فزونی گذاشته است. قیمت سخت‌افزارها و نرم‌افزارهای فاوا رو به کاهش است، در حالی که قیمت تولید و کاربرد «محتوای الکترونیکی» افزایش می‌یابد. البته این هزینه در اغلب موارد «هزینه‌ای پنهان» است که نه تنها سازمان‌ها و مؤسسات خصوصی بلکه جوامع زبانی را نیز دربرمی‌گیرد. اینجاست که اصطلاحات نقش بسزایی ایفا می‌کنند، از این جهت که داده‌های اصطلاحی عناصر بنیادی اطلاعات و دانش تخصصی هستند که بخش عظیمی از محتوا را در خود دارند. نتیجه اینکه، برنامه‌ریزی اصطلاحات همراه با توسعه سامانند فناوری‌های زبانی² مربوط می‌تواند قابلیت‌های راهبردی زبان را به‌طور تصاعدي بالا ببرد.

سطح نسبی توسعه یک کشور را می‌توان از طریق میانگین توانایی مردم آن کشور در به‌کار بردن اطلاعات برای انتقال دانش و ایجاد توانایی‌های جدید برآورد کرد. چون داده‌های اصطلاحی هسته اصلی بازنمایی دانش و اطلاعات تخصصی هستند،

1. mobile computing and communication (MCC)
2. human language technologies (HLTs)

فراهم بودن و امکان دسترسی به این داده‌ها از عوامل بسیار مهم اجتماعی - اقتصادی تلقی می‌گردد. از آنجا که این راهنما برگرفته از تجارب جوامع زبانی و کشورهای بسیاری است که در حوزه برنامه‌ریزی زبان و اصطلاحات فعالیت داشته‌اند، پیشنهاد می‌کنیم برنامه‌ریزان زبان در مرحله‌ای از کار برنامه‌ریزی به سیاست‌گذاری سامانندی برای اصطلاحات با توجه به ارتباطات حوزه‌ای روی آورند.

2. مفاهیم بنیادی

در این سند مفهوم **ارتباطات** به ارتباط بین انسان‌ها که شامل ارتباط کلامی (گفتاری یا نوشتاری) و غیرکلامی است محدود می‌شود. مراد از **ارتباطات حوزه‌ای**¹ ارتباط علمی - تخصصی در یک حوزه خاص است و **ارتباطات فنی**² در اینجا به معنی فناوری ارتباطات نیست، بلکه به معنی نگارش یا مستندسازی فنی است؛ به عبارتی، آماده‌سازی اسنادی که به زبان تخصصی نوشته شده‌اند یا بخش عمده‌ای از آنها به این زبان است. **برنامه‌ریزی اصطلاحات**³ اصولاً زبان را بر اساس نیازها و مقتضیات ارتباطات حوزه‌ای توسعه می‌دهد.

زبان تخصصی زبانی است که متخصصان یک رشته با اصطلاحاتی کمابیش مشترک و قراردادهای زبانی خاص آن رشته به‌کار می‌برند. زبان تخصصی از جهات مختلف با **زبان عمومی** (یا زبان روزمره) تفاوت دارد. ممکن است همه گونه‌های زبانی (از جمله گویش‌ها) از **هنجارهای زبانی**⁴ تبعیت نکنند. هنجارهای زبانی مجموعه‌ای از قراردادهای زبانی است که معیار زبانی مشترک یک جامعه زبانی قلمداد می‌شود. زبان عمومی زبان خود جامعه زبانی است، در حالی‌که منظور از زبان‌های تخصصی زبان هر یک از گروه‌های تخصصی درون جامعه زبانی است.

امروزه، به‌طور روزافزونی فناوری در حوزه زبان هم کاربرد پیدا کرده است؛

1. domain communication
2. technical communication
3. terminology planning
4. linguistic norm

مانند، **مهندسی زبان¹** که به عنوان **موضوعی مرتبط با پردازش زبان طبیعی²** مطرح شده است. فناوری‌های حاصل از حوزه **مهندسی زبان را فناوری‌های زبانی³** می‌نامند. در این فناوری‌ها از دانش زبانی برای توسعه سامانه‌های

-
1. language engineering
 2. natural language processing (NLP)
 3. human language technology (HLT)

رایانه‌ای استفاده می‌شود که قادر به تشخیص، فهم، تفسیر و تولید هم‌صورت‌های زبان انسان هستند؛ به بیان دیگر، این امکان برای انسان فراهم می‌شود تا بتواند مستقیماً با رایانه ارتباط برقرار کند.

علم اصطلاح‌شناسی¹ رشته‌ای است که به بررسی ساختار، شکل‌گیری، توسعه، به‌کارگیری و مدیریت **اصطلاحات** در حوزه‌های مختلف می‌پردازد و مبانی روش‌شناسی کار اصطلاح‌شناسی را برای کاربردهای مختلف مهیا می‌کند. **ابزارهای اصطلاح‌شناختی²** که بیشتر به صورت نرم‌افزار هستند به‌طور معمول، برای سروسامان دادن به داده‌های اصطلاحی با شیوه‌ها و اهداف متفاوت به‌کار می‌روند. مثلاً **سامانه مدیریت اصطلاحات (سما)³** ابزاری است که مطابق اصول تخصصی معین برای ثبت، بایگانی، پردازش و برونداد داده‌های اصطلاحی طرح‌ریزی می‌شود. **پایگاه ملی داده‌های اصطلاحی (پدا)⁴** ممکن است شامل داده‌های تک‌زبانه و چندزبانه باشد و در سطح کشور، جامع‌ه زبانی یا در سطح محلی، بسته به نیاز هر سطح، تهیه گردد. پدا اغلب در برنامه‌ریزی اصطلاحات و مخصوصاً در چارچوب سیاست‌گذاری ملی برای اصطلاحات به عنوان یکی از ابزارهای اصلی برای اجرای سیاست‌گذاری به کار گرفته می‌شود. گرچه امروزه شبکه‌هایی از پایگاه‌های پراکنده و در عین حال به هم پیوسته جایگزین پایگاه‌های بزرگ

-
1. terminology science
 2. terminological tools
 3. terminology management system (TMS)
 4. terminology database(TDB)

می‌شوند، اما ایجاد پایگاه‌های متمرکز نیز راهبردی مؤثر برای شرکت‌ها، سازمان‌ها و مؤسسات است.¹ **فعالیت‌های اصطلاح‌شناختی**¹ ممکن است محصولات متنوعی مانند استانداردهای اصطلاح‌شناسی، فرهنگ‌های تخصصی، واژه‌نامه‌ها، پایگاه داده‌های اصطلاحی و ... داشته‌باشند. **محصولات و خدمات اصطلاح‌شناسی**² مانند مشاوره و خدمات آموزشی، اطلاعات و مستندسازی اصطلاحات، برون‌سپاری³، خدمات اطلاعاتی و... معمولاً ابزارهایی برای اجرای سیاست‌گذاری ملی برای اصطلاحات هستند. در جوامع زبانی‌ای که فعالیت‌های اصطلاح‌شناسی پیشرفته‌ای دارند محصولات و خدمات آن در **بازار اصطلاحات**⁴ عرضه می‌شود؛ این بازار شامل کاربران و تهیه‌کنندگان محصولات و خدمات اصطلاح‌شناسی است.

سیاست‌گذاری ملی برای اصطلاحات⁵ راهبرد عمومی است که هم‌تراز با تصمیم‌گیری‌های سیاسی کشور یا جامعه زبانی کمابیش خودمختار (درون کشور یا منطقه‌ای که مرزهای دو یا چند کشور را دربرمی‌گیرد) تدوین می‌شود. هدف این سیاست‌ها توسعه و سامان‌دهی اصطلاحات موجود و بالقوه در حوزه‌های مختلف است. تجربه نشان می‌دهد که کاربران مختلف به داده‌های با درجه

1. terminological activities

2. terminology product and terminology services

1. این واژه معادل «outsourcing» است؛ یعنی، سفارش کارهای اصطلاح‌شناسی به خارج از سازمان.

4. terminology market

5. national terminology policy

پیچیدگی و جزئیات متفاوت نیاز دارند. به این ترتیب، اقتصادی‌تر این است که از ابتدا داده‌های چندمنظوره برای کاربران و کاربردهای مختلف تهیه شود. همچنین، بهتر است سیاست‌گذاری ملی برای اصطلاحات، چندزبانه و غیرانحصاری باشد. همه اینها در مورد سیاست‌ها یا راهبردهای مربوط به اصطلاحات در بخش‌های خصوصی مانند مؤسسات، سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن)، انجمن‌های تخصصی و... نیز صادق است.

3. برنامه‌ریزی زبان و برنامه‌ریزی اصطلاحات

در این بخش برنامه‌ریزی زبان و برنامه‌ریزی اصطلاحات که در واقع امروزه فعالیت‌های مکمل یکدیگر هستند با هم مقایسه می‌شوند. هر دو این فعالیت‌ها تحت تأثیر عواملی قرار دارند؛ از جمله: بافت سیاسی و تکوین تاریخی کاربرد زبان، وضعیت اجتماعی - اقتصادی، ابعاد جغرافیایی - زبانی و عوامل جمعیت‌شناختی، فرهنگی و روانشناختی. هم‌اکنون اینها در تحلیل سهم‌بران¹ اجتماعی (و از جمله مؤسسات) و روابط آنها با یکدیگر مؤثرند.

3-1. برنامه‌ریزی زبان

چون این راهنما بر برنامه‌ریزی اصطلاحات متمرکز است، بنابراین، به نظریه برنامه‌ریزی زبان² تنها اشاره‌ای گذرا خواهیم کرد. در اینجا تأکید ویژه بر نشان دادن جایگاه اصطلاحات در چارچوب زبان و ارتباطات است اما در دیگر آثار منتشر شده یونسکو مباحث بیشتر و جامع‌تری در حوزه برنامه‌ریزی زبان مطرح شده است.

3-1-1. مروری بر نظریه برنامه‌ریزی زبان

1. stakeholders
2. language planning (LP)

مهم‌ترین مسئله در این حوزه تبیین ضرورت و امکان برنامه‌ریزی زبان است. گادلی¹ (1999) برنامه‌ریزی زبان را اینگونه توجیه می‌کند:

«جامعه در حال توسعه است و زبان باید با واقعیات موجود مطابقت داشته باشد. تصمیمات سیاسی اتخاذ می‌شود و این شاید به معنی ایجاد جوامع جدیدی است که ممکن است ابزار مشترک ارتباط نداشته باشند.»

تاریخ علم شواهدی از دخالت‌های کمابیش موفق در توسعه طبیعی زبان به دست می‌دهد. اگر این دخالت‌ها مربوط به زبان‌های طبیعی موجود باشد، آن را «برنامه‌ریزی زبان» می‌نامیم. آنچه امروز به عنوان برنامه‌ریزی زبان شناخته می‌شود قبلاً به آن سیاست زبان²، مهندسی زبان³، تنظیم زبان⁴ یا توسعه زبان⁵ اطلاق می‌شده است. کوپر (1989) پس از مقایسه دوازده تعریف مختلف از برنامه‌ریزی زبان تعریف زیر را به دست می‌دهد:

«برنامه‌ریزی زبان تلاشی آگاهانه برای تأثیرگذاری بر رفتار اهل زبان از نظر زبان‌آموزی، ساختار زبان یا تخصیص کارکردی کدهای زبانی است.»

-
1. Gadellii
 2. glottopolitics
 3. language engineering
 4. language regulation
 5. language development

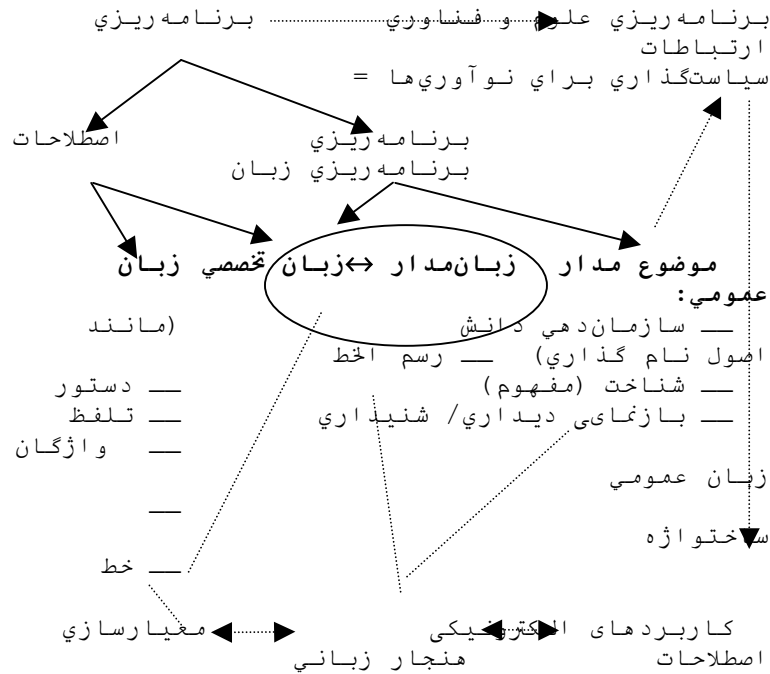
کوپر همچنین متذکر می‌شود که مخصوصاً چندی تعریف کلی‌ای ارائه کرده است تا برنامه‌ریزی زبان را تنها به فعالیت‌های دولتی، خصوصی یا روش خاصی محدود نکرده باشد.

امروزه برنامه‌ریزی زبان بسیار وسیع‌تر از وضع لغات و اصطلاحات و اصلاح شیوه‌های املا است. برنامه‌ریزی زبان مستلزم رویکردی بوم‌شناختی به زبان به عنوان رکن اساسی در جوامع بشری است و شامل عوامل اجتماعی - زبانی چندگانه‌ای است. برنامه‌ریزی زبان ترکیبی از شیوه‌ها و رویکردها است: اصطلاح‌شناسی و واژگان‌نگاری، مدیریت اصطلاحات، ترجمه و مدیریت ترجمه، و رویکردهای رو به گسترش پیکره - بنیاد (مانند استخراج اصطلاح، تحلیل پیکره برای شناسای نوواژه‌ها در گفتمان‌های مختلف و ...). در این حوزه نیز کاربرد فناوری‌های زبانی روبه‌فزونی است.

اصطلاح **برنامه‌ریزی ارتباطات¹** اصطلاحی کلی است که برنامه‌ریزی زبان و سایر فعالیت‌های برنامه‌ریزی مرتبط با ارتباط بین انسان‌ها را شامل می‌شود، چه این فعالیت صرفاً زبانی باشد یا به‌طور کلی سازمانی، تخصصی و زیرساختی. شکل (1) نمایانگر برنامه‌ریزی ارتباطات به عنوان

1. communication planning

اصطلاحی کلی برای برنامه‌ریزی زبان و برنامه‌ریزی اصطلاحات است.



شکل 1: نمایی کلی برخی مفاهیم برنامه‌ریزی ارتباطات

شکل (1) نمایی کلی روابط بین این مفاهیم را نیز نشان می‌دهد. آنچه ذیل «زبان عمومی» آمده است نشان‌دهنده عناصری است که بخشی از تعریف کلاسیک برنامه‌ریزی پیکره را تشکیل می‌دهد. برنامه‌ریزی پیکره شامل فعالیت‌هایی مانند ابداع یا اصلاح رسم الخط (و از جمله معیارسازی

املا)، انتخاب خط، تعیین تلفظ واژه‌ها، گسترش اصطلاحات و واژگان، تغییر در نظام دستوری، هم‌ترازسازی گویش‌ها، انتشار کتاب و راهنما برای ارتقاء سوادآموزی، گسترش فرهنگ‌نویسی، دستورنویسی، و واژه‌نامه‌های ساده شده برای زبان‌های تخصصی، خلق ادبیات ناب و حمایت از هنرهای خلاق و همچنین تأسیس مؤسساتی برای پرداختن به مسائل زبانی است. باید توجه داشت که برنامه‌ریزی زبان شامل برنامه‌ریزی جایگاه زبان هم می‌شود؛ یعنی، ارتقاء یک زبان برای استفاده در حوزه‌های مختلف جامعه (تجارت، آموزش، حقوق، اداره، رسانه‌ها و...).

3-1-2. نیاز به برنامه‌ریزی زبان

نیاز به برنامه‌ریزی زبان و سیاستگذاری برای آن ممکن است دلایل متفاوتی داشته باشد:

□ چندزبانگی: محدود کشورهایمانند ایسلند می‌توانند ادعا کنند که کاملاً تک‌زبان‌اند؛ به عبارت دیگر، چندزبانگی در اکثر کشورهای جهان کاملاً رایج است. حتی کشورهای که رسماً تک‌زبان‌اند برای رعایت کامل حقوق بشر باید زبان‌های اقلیت درون مرزهای ملی خود را نیز به رسمیت بشناسند. بسیاری از کشورها، که می‌خواهند یک یا چند زبان را زبان رسمی خود اعلام کنند، مشغول

برنامه‌ریزی سامانند زبان هستند. با این حال، معمولاً قانون اساسی دربارهٔ زبان‌های رسمی صراحت ندارد. علاوه بر زبان‌های رسمی، ممکن است بنا به نیازهای محلی از سایر زبان‌ها نیز در آموزش یا دیگر بخش‌ها استفاده شود.

- آموزش: با اینکه **یونسکو** از دهه 1950 بر مزایای آموزش ابتدایی به زبان مادری تأکید کرده است، هنوز میلیون‌ها کودک در سراسر جهان تحصیلات ابتدایی خود را به زبان خارجی می‌گذرانند و معمولاً عدم به‌کارگیری زبان مادری به عنوان زبان آموزش باعث بالا رفتن میزان ترک تحصیل و در نهایت بی‌سوادی می‌شود.
- فناوری ارتباطات: همان‌طور که گفته شد، امروزه برطرف کردن شکاف دیجیتالی بین کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه بیش از پیش ضروری می‌نماید. برنامه‌ریزی زبان شامل تصمیم‌گیری دربارهٔ زبان‌ها و توسعهٔ آنها برای استفاده در رسانه‌های الکترونیکی، مثلاً با به‌کارگیری فناوری‌های زبانی، است.

علاوه بر این عوامل، زبان (به ویژه در جوامع چندزبانه) به مثابهٔ منابع طبیعی است و بنابراین در رفاه اقتصادی یک کشور و افزایش ثروت مردم آن مؤثر خواهد بود. به این ترتیب، باید زبان

را رکن اصلی برنامه توسعه فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی هر کشور دانست. زبان نیز مانند سایر منابع _____ در صورتی که درست از آن استفاده شود _____ اشتغال‌زا خواهد بود.

3-1-3. اهداف کوتاه‌مدت برنامه‌ریزی زبان

برخی از مهمترین اهداف کوتاه مدت برنامه‌ریزی زبان عبارتند از:

- جلوگیری از می‌زان بالای ترک تحصیل و افت تحصیلی کودکان در محیط‌های چندزبانه و تسهیل دسترسی به آموزش‌های رسمی، با کمک به اجرای برنامه آموزش زبان مادری و همچنین آموزش به زبان مادری، به‌ویژه در سطوح پیش‌دبستانی و دبستانی؛
- ایجاد فضای آموزشی بهینه از طریق آموزش علوم و ریاضیات به زبانی که دانش‌آموز بفهمد؛
- بالا بردن توانایی‌های مقامات، کارمندان، دانشمندان، پژوهشگران، معلمان و حتی کارگران فنی که سرمایه‌گذاری در قدرت اقتصادی آن کشور محسوب می‌شود؛
- افزایش تنوع فرهنگی و فردیت‌ها¹ در کشور از طریق ترویج هنر به زبان‌های مختلف؛

1. individuality

- پیشگیری از نارضایتهای سیاسی و قومی با ایجاد محیطی مبتنی بر اصل تساوی زبان؛ یعنی، برخورد یکسان با همه زبان‌ها در سطح کشور، مخصوصاً در بخش‌های اداری جامعه؛ مانند، قوای مقننه، قضاییه و مجریه و آموزش. به این نکته نیز باید توجه داشت که مراحل توسعه زبان‌های همزیست متفاوت است؛
- تضمین مردم‌سالاری با ترغیب مردم به بالا بردن سطح آگاهی‌های خود و اتخاذ تصمیمات سیاسی مستقل؛
- برطرف کردن شکاف دیجیتالی با توسعه زبان‌ها برای استفاده در رسانه‌های الکترونیکی و در نتیجه توسعه فناوری‌های زبانی؛ مانند، ترجمه ماشینی و ...؛
- تهیه واژگان‌ها، دستینه‌ها، شاهکارهای هنر خلاق، کتاب‌های درسی، روزنامه‌ها و ... برای افراد جامعه به زبان اول آنها.

3-2. برنامه‌ریزی اصطلاحات

برنامه‌ریزی زبان ممکن است در مرحله‌ای از توسعه زبان آغاز شود که آن زبان نه صورت نوشتاری داشته باشد و نه حتی هیچ هنجار زبانی، در حالی‌که برنامه‌ریزی اصطلاحات به وجود هنجارهای زبانی و ثبات نسبی دستور و رسم‌الخط در زبان نوشتار متکی است. بر این اساس،

برنامه‌ریزی اصطلاحات آگاهانه و ساماندهی منجر به توسعه زبان‌های تخصصی مطابق با نیازها و الزامات ارتباطات حوزه‌ای می‌شود که هر روز تعداد معتناهی اصطلاح تخصصی در صدها زبان در سراسر جهان به وجود می‌آورد. این اصطلاحات واژگان تخصصی را شکل می‌دهند که مجموعه‌ای از اصطلاحات با معانی (مفاهیم) تخصصی آنهاست که در زبان‌های تخصصی به کار می‌روند. از طرفی، توسعه اصطلاحات پدیده‌ای طبیعی و اجتناب‌ناپذیر است و، از طرف دیگر، می‌تواند اقدامی با اهداف بلندمدت در راه توسعه زبان و نیز ابزاری برای اجرای سیاست‌های اصلاحی اجتماعی - اقتصادی باشد.

برای درک موضوع اصطلاح‌شناسی به تعریف واژه کلروفلوئوروکربن (سی. اف. سی)¹ از یک فرهنگ لغت که اخیراً در کتابی درباره برنامه‌ریزی زبان (آنی‌تا: 2000) آمده است توجه کنید:

«سی. اف. سی ها ترکیباتی غیرقابل اشتعال، غیرسمی و سنتزی واکنش‌ناپذیر هستند که از دهه 1930 به عنوان سیال عامل درون یخچال‌ها و پیشرانه‌ها در افشانه‌های خوشبوکننده به کار رفته‌اند. امروزه مشخص شده است که این مواد برای لایه ازن مضر هستند، علاوه بر این، از زمره مؤثرترین عوامل ایجاد اثر

1. Chlorofluorocarbons(CFC)

گلخانه‌ای‌اند {...}. مولکول‌های سی. اف. سی. آزاد شده در محیط، بر اثر اشعه فرابنفش در جو فرازین شکسته می‌شوند و تولید کلراین می‌کنند که با ازن واکنش می‌کند.»

فرض کنید نقل قول بالا ترکیبی است از دو گونه متن: اولی فقط از **عناصر متنی زبان عمومی (واژه)** تشکیل شده که با قلم سیاه نوشته شده است و گونه دوم فقط از عناصر متنی زبان تخصصی (اصطلاح) که با قلم خاکستری نشان داده شده است. اگر فقط به مجموعه واژه‌های سیاه نگاه کنیم، مفهومی از آن دریافت نخواهیم کرد، در حالی‌که، مجموعه اصطلاحات خاکستری (به سبب روابط معنایی میان آنها و شم زبانی خواننده) برای اکثر افراد علاقه‌مند به شیمی محیط‌زیست مفهوم دارد. توجیه این مطلب در نقش اصطلاحات نهفته است: آنها جوهر دانش تخصصی را رمزگذاری¹ می‌کنند و عناصر زبان عمومی در نقل قول بالا تنها به منزله ملاط دستوری هستند که به این آجرهای سازنده متن کلیتی منسجم و پیوسته می‌بخشند.

اصطلاحات (و مفاهیم آنها) علاوه بر اینکه در فرایند درک بسیار مؤثرند، به دلایل بسیاری نیز ضروری‌اند، مثلاً:

- ترجمه: معادل کلروفلوئوروکربن در زبان شما چیست؟

1. encode

- بازیابی اطلاعات: چگونه می‌توان در اینترنت با استفاده از یک موتور جستجو اطلاعات مشابهی را جستجو کرد؟
 - مستندسازی: چگونه می‌توان اسناد را طوری تنظیم و بایگانی کرد که حتی پس از مدت زمانی طولانی نیز بتوان آنها را پیدا کرد و دوباره از آنها استفاده نمود؟
 - ارتباطات: چگونه یک دانشجو، معلم، متخصص محیط زیست، قانون‌گذار یا یک شهروند عادی و ... می‌تواند اطلاعات و دانش موجود در متن بالا را دریافت و منتقل کند؟
 - آموزش: چگونه می‌توان موضوعات بسیار تخصصی را به دانش‌آموزان، دانشجویان، کارآموزان، متخصصان و ... آموخت؟
- به این ترتیب، ممکن است برنامه‌ریزی اصطلاحات با کاربردهای بسیاری مرتبط باشد و در بافتهای اجرا شود که سایر فعالیت‌های اصطلاح‌شناسی نیز در آنجا انجام می‌شوند یا به آنها نیاز هست. در نتیجه، نمی‌توان چندان بر ضرورت رویکردی ساماندهنده و هماهنگ پای فشرده.

3-2-1. روش‌های اصطلاح‌سازی در برنامه‌ریزی اصطلاحات

اصطلاح ممکن است از واژه‌های ساده یا گروه‌های پیچیده (اصطلاحات چندواژه‌ای) با مشخصه‌های صرفی - نحوی و صرفی - معنایی

خاصی ساخته شده باشد که گاهی در زبان عمومی ناشناخته‌اند اما می‌توانند در حوزه‌های تخصصی معینی به کار روند. اصولاً باید بین انواع نام‌گذاری و نه فقط عناصر سازنده اصطلاح تمایز قائل شد. به علاوه، همواره تشخیص واژه از اصطلاح، اصطلاح از غیراصطلاح، یا نام از اصطلاح دشوار است. اصطلاح‌سازی بر کارکرد مؤثر نام‌گذاری در حوزه‌های تخصصی مبتنی است. در تحلیل پیکره، تشخیص و استخراج اصطلاح فرایندهایی دشوارند و به رغم پژوهش‌های جامعی که در این حوزه انجام شده، تاکنون یک مدل نظری معتبر و الگوریتم‌های متناسب با آن طراحی نشده است. با وجود این، روش‌ها و ابزارهایی در فناوری‌های زبانی وجود دارند که در تشخیص و استخراج اصطلاح از پیکره‌ها نتایج رضایت‌بخشی به همراه داشته‌اند که از آنها باید در زمان‌های مناسب (با آگاهی از محدودیت‌های ذاتی‌شان) استفاده کرد.

تعامل بین زبان‌های تخصصی و عمومی بسیار پویاست و همواره مواد واژگانی به هر دو سو جریان دارند:

- واژه‌شدگی: اصطلاحات تخصصی به واژه‌های کاملاً رایج زبان عمومی تبدیل می‌شوند؛
- اصطلاح‌شدگی: واژه‌های معمولی به اصطلاح (یا بخشی از آن) تبدیل می‌شوند؛

- اصول متداول اصطلاح‌سازی: اصول نشانه‌شناختی زیر اساساً در مورد «همه» زبان‌ها صادق است. این اصول بر ماهیت سامانند اصطلاحات با شبکه‌های مفهومی زیربنایی آنها از جمله ابعاد شناختی، بازنگای دانش و ... مبتنی است:
 - شفافیت (در مقابل تیرگی)؛
 - انسجام؛
 - تناسب؛
 - کوتاهی (اقتصاد زبانی)؛
 - اشتقاق‌پذیری؛
 - صحت زبانی
 - ترجیح زبان بومی (مگر در حوزه‌ها یا زبان‌هایی که سنت‌های دیگری وجود دارد، مانند استفاده از صورت‌های لاتین یا یونانی در برخی رشته‌های علمی)
- روش‌های اصطلاح‌سازی:
 - ساختن صورت‌های جدید
 - اشتقاق؛
 - ترکیب؛
 - صورت‌های اختصاری
 - استفاده از صورت‌های موجود
 - تبدیل (تغییر مقوله دستوری که گاهی به آن مقوله‌گردانی نیز گفته می‌شود)
 - اصطلاح‌شدگی (تخصیص معانی جدید استعاری یا تشبیهی به اصطلاحات

موجود در حوزه‌های کمابیش مرتبط یا به واژه‌های زبان عمومی)؛

▪ انتقال معنایی در یک زبان تخصصی؛

▪ وام‌گیری بین رشته‌ای (استعاره)؛

○ وام‌گیری بین زبانی

▪ وام‌گیری مستقیم؛

▪ ترجمه قرضی.

امکان استفاده از این روش‌ها را باید برای هر زبانی به‌طور جداگانه ارزیابی کرد. می‌توان از اصول نشانه‌شناختی به عنوان راهنمایی در استفاده از روش‌های اصطلاح‌سازی بهره جست. گرچه برخی از این اصول ظاهراً در تضاد با یکدیگرند، اما در نهایت نوعی مصالحه بین آنها شکل می‌گیرد (مانند تقابل بین اصل «شفافیت» و اصل «کوتاهی»). جزئیات بیشتر در این باره را می‌توان در ایزو 704 و دیگر استانداردهای بین‌المللی مرتبط یافت (رجوع شود به منابع).

از جمله مشکلات دیگری که بر سر راه اصطلاح‌سازی وجود دارد می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: اختلاف‌هایی که در مدل‌های ساختواژه در زبان عمومی وجود دارد، تنوع و عدم انسجام قواعد در حوزه‌های مختلف (مخصوصاً در حوزه علوم طبیعی که نامگان خاص دارند)، نداشتن توصیف کاملی از برخی زبان‌ها، ضرورت بدون‌سازی کامل این زبان‌ها (مثلاً از

طریق برنامه‌ریزی زبان) به ویژه در حوزه رسم الخط، املاء، تلفظ، و دستور به منظور تهیه قواعدی معتبر برای توسعه اصطلاحات. برای استفاده از فناوری‌های زبانی باید مدل‌های رایانه‌ای اصطلاح‌ساز در زبان‌های مورد پردازش تهیه کرد.

3-2-2. اصطلاح‌شناسی توصیفی و تجویزی

اصطلاحات جدید مرتباً وارد زبان می‌شوند؛ یا برای پر کردن خلأهایی که با ورود مفاهیم جدید ایجاد شده‌اند، یا برای جایگزینی یک اصطلاح نا کارآمد. دو رویکرد نسبت به این تحول اصطلاحات وجود دارد: اصطلاح‌شناسی توصیفی و تجویزی. اصطلاح‌شناسی توصیفی فقط به مشاهده و تحلیل پیدایش اصطلاحات می‌پردازد، در حالیکه در اصطلاح‌شناسی تجویزی کاربران توافق می‌کنند تا اصطلاحی را به‌طور مداوم در حوزه‌ای معین به‌کار گیرند. اصطلاح‌شناسی تجویزی شامل یک‌دست‌سازی، معیارسازی اصطلاحات و هماهنگ‌سازی مفاهیم است. مسائل تجاری و ملاحظات امنیتی و حفاظتی از جمله انگیزه‌های معیارسازی اصطلاحات هستند.

معیارسازی اصطلاحات معمولاً مستلزم انتخاب از میان اصطلاحات رقیب است. عوامل چندی می‌توانند در این انتخاب مؤثر باشند؛ مثلاً، اقتصادی بودن (ممکن است اصطلاحی به سبب پیچیدگی کمتر یا کوتاهی انتخاب شود)، دقت (ممکن است

اصطلاحی نسبت به سایر اصطلاحات شفاف‌تر باشد)، تناسب (ممکن است اصطلاحی معانی ضمنی ناخوشایند یا سیاسی داشته باشد). معیارسازی اصطلاحات دو جنبه متمایز را که بازتاب دو زیرساخت مختلف است دربرمی‌گیرد. معیارسازی اصول و روش‌های اصطلاح‌شناختی در چارچوب زیرساخت‌های افقی صورت می‌گیرد که تقریباً همه حوزه‌ها را شامل می‌شود. اما معیارسازی اصطلاحات در حوزه‌های مختلف (یعنی کار اصطلاح‌شناسی که امروزه بیشتر در کمیته‌های تخصصی انجام می‌شود) بازتاب زیرساخت‌های عمودی است. پرواضح است که معیارسازی اصطلاحات باید مبتنی بر اصول و روش‌های معیارشده‌ای باشد که خود مبتنی بر نظریه‌های علمی هستند. در سطح بین‌المللی کمیته تخصصی ایزو/تی‌سی 37 با عنوان «اصطلاحات و زبان و منابع محتوایی» مسئول معیارسازی اصول و روش‌های کار اصطلاح‌شناسی است.

3-2-3. مدیریت اصطلاحات

همان‌گونه که قبلاً نیز گفته شد، علم اصطلاح‌شناسی حوزه‌ای کاملاً میان‌رشته‌ای است. به همین دلیل، کار اصطلاح‌شناسی مستلزم همکاری متخصصان حوزه‌های مختلف است. به سبب حجم عظیم داده‌ها باید تا حد امکان تعداد افراد بیشتری همکاری کنند و نتایج و منابع خود را در اختیار یکدیگر قرار دهند:

- تفاوت اصطلاح‌نگاری با واژگان‌نگاری: طبق تعاریف کلاسیک، اصطلاح‌نگاری مفهوم‌بنیاد، در حالی‌که، واژگان‌نگاری واژه‌بنیاد است. در حقیقت هیچ تمایز روشنی بین این دو وجود ندارد؛ روش‌های ترکیبی فراوان منجر به تمایزات جزئی در روند کار می‌شوند و، مهم‌تر اینکه، ناهنجاری‌های در ساختار داده‌ها ایجاد می‌کنند. به‌نظر می‌رسد که بین روش‌های مبتنی بر واژه / معنی و روش‌های مبتنی بر اصطلاح / مفهوم همگرایی وجود دارد و تلاش می‌شود تا بین نظام‌های ناهمگن نیز هم‌کنش‌پذیری¹ صورت گیرد.
 - تفاوت وجه توصیفی با وجه تجویزی: به‌طور کلی، مراحل اولیه مدیریت اصطلاحات شامل ثبت تنوعات درون و برون مرزهای فرهنگی، زبانی، رشته‌ای، تخصصی و گروهی است؛ در مرحله دوم، معمولاً باید در مواردی که پراکندگی واژگانی در یک سبک اجتماعی خاص وجود دارد با معیارسازی یا هماهنگ کردن پیچیدگی زبان‌های تخصصی را کاهش داد. اصطلاح‌نگاری فرایند ثبت اطلاعات مربوط به اصطلاحات است. این کار در سطوح تک‌زبانه، دوزبانه و چندزبانه انجام
1. این اصطلاح را فرهنگستان زبان و ادب فارسی برای «interoperability» تصویب کرده است.

می‌شود. طراحی فرهنگ‌ها، واژه‌نامه‌ها و دیگر محصولات اصطلاح‌شناسی برای مخاطبان مختلف (مثلاً در آموزش، رسانه‌های عمومی و ...) بر مبنای اصولی هدفمند و کاربردی صورت می‌گیرد. مهم‌ترین ملاحظات «معنا»یی و اصطلاح‌نگاشتی عبارتند از:

- مفاهیم و ساختارهای مفهومی: مفاهیم سازه‌های ذهنی (واحدهای شناختی) هستند. در دانش تخصصی ساختارهای مفهومی مبنای اصطلاحات هستند. از دیدگاه زبان‌شناسی معنای هر اصطلاح مفهومی است که اصطلاح برای نامیدن آن به‌کار می‌رود. مفاهیم در همه فعالیت‌های تخصصی و در همه ارتباطات حرفه‌ای شکل می‌گیرند و دائماً تغییر می‌کنند. شکل‌گیری مفاهیم تحت تأثیر آداب و رسوم فرهنگی نیز هست و زبان اصلی‌ترین جلوه فرهنگ است. باید در تمام مراحل رشد و توسعه اصطلاحات و اصطلاح‌نگاری به تعامل پویا و پی‌چیده شکل‌گیری اصطلاح و شکل‌گیری مفهوم توجه داشت.
- تعریف، بافت، مثال: گرچه در کار اصطلاح‌شناسی سامانند میان انواع تعریف _____ مفهومی¹، مصداقی²، جزء مدار، کارکردی، عملیاتی و ... _____ تمایز قائلیم، اما نظام مفاهیم با استفاده از تعاریف به هم

1. intentional
2. extentional

مرتبط نمایش داده می‌شوند. نظام‌های مفهومی چند بعدی نیاز به تعاریفی دارند که وجوه مختلف یا معیارهای متمایزی را نشان دهند. بنابراین، باید برای تعریف‌نگاری و/ یا ارزیابی/ تجدید نظر کردن در تعاریف اصولی تدوین شود (نگاه کنید به ایزو 704، رایت/ بودین 1997: «بایدها و نبایدهای تعریف‌نگاری»).

- بافت (تعریفی و توضیحی): بافت در مدیریت اصطلاحات نشان‌دهنده نقش اصطلاح در گفتمان است و در واقع قطعه‌ای از متن است. ثبت کارکردهای مختلف بافت بسیار مفید است و هنگامی که فرصت برای تعریف نویسی نیست ثبت بافت می‌تواند این نقیصه را جبران کند، به‌ویژه وقتی که تحلیل پیکره برای تشکیل پیکرگانی بزرگ در زمانی کوتاه به‌کار می‌رود. بافت مؤید تعریف است و در برخی موارد هم، مثلاً در نبود تعریف، ممکن است تنها اطلاعات موجود باشد. بافت‌ها حتی در کنار تعاریف هم ارزشمند هستند، زیرا صحت تعریف را نشان می‌دهند. به هر روی، بافت را می‌توان منبعی موثق برای تحلیل کاربرد اصطلاحات و هم‌آیند¹های آنها تلقی کرد.

1. collocation

کار اصطلاح‌شناسی تطبیقی و گروهی مشتمل بر دو رویکرد عمده به مدیریت اصطلاحات است:

□ کار اصطلاح‌شناسی تطبیقی بررسی اصطلاحات و مفاهیم زبان‌های مختلف برای رسیدن به اصطلاحات «معادل» است که آنها را در منابع یا استانداردهای اصطلاح‌شناسی معرفی می‌کند. این فرایند معمولاً نشان‌دهنده گسست‌هایی در ساختارهای مفهومی و کاربرد اصطلاحات در میان جوامع زبانی است. در بررسی مفهوم دشوار «معادل» در یک بافت کاربردی (و نه در بافت فلسفی) رویکردی کارکردگرایانه مفید خواهد بود. معادل متنی و ارتباطی را باید در تقابل با معادل واژگانی یا اصطلاحی بررسی کرد. برای تحلیل‌های اصطلاح‌شناسی تطبیقی مستندسازی این پژوهش‌ها و بحث‌های کمی‌ته‌های تخصصی در همه زبان‌های مورد نظر لازم می‌نماید که در نتیجه مبنای دانشی منحصر به فرد و نظامی برای سهولت تصمیم‌گیری را فراهم می‌آورد.

• در کار اصطلاح‌شناسی گروهی در صورتی‌که زبان‌شناسان، اصطلاح‌شناسان و متخصصان حوزه‌های مختلف در کنار هم کار کنند، بهترین نتایج به دست می‌آید (به‌خصوص در مورد توسعه زبان و معیارسازی اصطلاحات). معمولاً این متخصصان هر یک دانش و تجربه‌ای دارند

- که در این مسئولیت سنگین به‌کار می‌آید:
- دانش تخصصی (دانش مفهومی)
 - دانش زبانی و تا حدی زبان‌شناختی (مربوط به آن حوزه و آن زبان)
 - دانش اصطلاح‌شناختی (روش‌های کاری که خلأ بین این دو مقال را پر می‌کنند).

4. تدوین و اجرای سیاست‌گذاری

این راهنما بر ضرورت طراحی، تدوین، اجرا، عملیاتی کردن، ارتقاء و حفظ سیاست‌گذاری سامانند با اهداف کوتاه‌مدت و چشم‌اندازهای روشن و حوزه‌ها و مقاصد کاربردی معین تأکید می‌کند. به همین دلیل، باید از شبکه‌های اطلاعاتی در حمایت از چنین سیاست‌گذاری به نحو مطلوبی استفاده کرد. ضمن اینکه شبکه‌های اطلاعاتی نیز در صورتی که مورد حمایت این سیاست‌گذاری باشند کارآمدتر خواهند بود. ایجاد زیرساخت‌های سازمانی و فنی مرتبط با سیاست‌گذاری ابزاری است برای رسیدن به اهداف کوتاه‌مدت و چشم‌اندازهای این سیاست‌گذاری در حوزه‌ها و مقاصد کاربردی خاص یا عام.

4-1. تدوین سیاست‌گذاری

در فعالیتهای متمرکز بر توسعه اصطلاحات توجه اصلی تدوین سیاست‌گذاری معطوف به توسعه موارد زیر است:

- زبان عمومی به عنوان ابزاری کلی برای ارتباطات حوزه‌ای
 - زبان‌های تخصصی هر زبان، یا
 - ترکیبی از این دو.
- البته این رویکرد ممکن است به شدت تحت تأثیر موقعیت زبانی مورد نظر قرار گیرد. در تدوین سیاست‌گذاری بر مبنای این راهنما باید موقعیتهای زبانی بسیار متعددی را در نظر گرفت.

در يك جامعه زباني ممكن است براي برخي زبان‌هاي تخصصي توسعه اصطلاحات ضروري باشد، در حالي‌که، براي برخي ديگر هماهنگ‌سازي اصطلاحات موجود و در نتيجه رقيب با هم، ضرورت داشته باشد. برخي جوامع زباني در يك منطقه محدود جغرافيايي در داخل يك کشور منزوي شده‌اند که در چنين شرايطي ممکن است با جوامع زباني ديگر همزيستي کنند يا اقليت‌هاي

زبانی کمابیش خودمختاری را به وجود آورند. برخی جوامع زبانی دیگر تا مرزهای ملی میان دو یا چند کشور گسترش می‌یابند — در چنین شرایطی احتمالاً این زبان‌ها جایگاه‌های متفاوتی در مناطق مختلف دارند — یا در کشورهای متعدد دیگری پراکنده می‌شوند. گاهی زبان‌های اقلیت در یک یا چند کشور وجود دارند که از زبان اکثریت در حال توسعه در وطن خود دور افتاده‌اند. در چنین مواردی، جوامع زبانی اقلیت تقریباً جایگاهی خودمختار یا نیمه خودمختار در کشور میزبان دارند و در نتیجه برای انطباق و همزیستی مسالمت‌آمیز با جامعه یا جوامع زبانی اکثریت اطراف خود مشخصه‌های اصطلاحی خاصی بروز می‌دهند. در موارد دیگر، وضع چنین اقلیت‌هایی معمولاً به توسعه زبان در وطن‌شان وابسته است. مخاطبان این راهنما افرادی با زبان‌های مختلف هستند — از کشورهای بزرگ که برای نهادینه کردن سیاستگذاری ملی برای اصطلاحات تلاش می‌کنند تا کشورهای کوچک و متوسط که یک یا چند جامعه زبانی دارند و نیز کوچکترین جوامع زبانی و دیگر جوامع زبانی که به این سیاستگذاری‌ها نیاز دارند. نیازهای هر جامعه زبانی از نظر ایجاد نهادهای اجتماعی و پرورش نیروی انسانی به عنوان بخشی از طرح‌ریزی، تدوین و اجرای سیاستگذاری متفاوت است و اینها مطابق با مؤلفه‌های فرهنگی و

اجتماعی خاص هر جامعه و سایر شرایط موجود صورت می‌گیرند.

4-2. اجرای سیاست‌گذاری

امروزه سیاست‌گذاران برنامه‌های توسعه برای طراحی شیوه‌های جدید تهیه و بهره‌برداری از منابع اطلاعاتی با چالش‌های بزرگی مواجهند. به همین دلیل، معمولاً سیاست‌گذاری برای اصطلاحات را باید در کنار یا حتی در درون سایر سیاست‌گذاری‌های ملی مانند سیاست‌گذاری برای دانش یا اطلاعات، آموزش، تأسیس نهادها و پرورش نیروی انسانی، نوآوری و فناوری و ... در نظر گرفت.

سیاست‌گذاری برای اصطلاحات تقریباً هم‌ه زندگی حرفه‌ای، آموزش عملی و نظری، نظام بهداشت و سلامت و ... را تحت تأثیر قرار می‌دهد، و به این ترتیب، هر کس، پیر و جوان، را که نیاز به فراگیری یا آشنایی با نوعی دانش تخصصی دارد دربرمی‌گیرد. در اکثر موارد بهتر است که نهادهای سیاست‌گذار و برنامه‌ریز زبان در این کار مشارکت فعال داشته باشند. نکته آخر، و البته نه کم اهمیت، این است که کل جامعه زبانی در این فرایند شرکت کنند.

این راهنما عمدتاً از مدل اجرایی که در سیاست‌گذاری ملی برای اطلاعات آمده است پیروی می‌کند که خلاصه آن در پی‌جی آی –

90/ دلیو اس/11¹ از انتشارات یونسکو به چاپ رسیده است:

منتویلف، ویکتور. *سیاستگذاری ملی برای اطلاعات*. راهنمای تدوین، تصویب، اجرا و عملیاتی کردن سیاستگذاری ملی برای اطلاعات، پاریس؛ یونسکو، 1990.²

چون این راهنما معمولاً در سطح منطقه‌ای یا محلی برای یک یا چند جامعه زبانی به کار خواهد رفت، مدل باید تا حد امکان ساده می‌شد. در مورد کاربرد گسترده در سطح ملی برای جوامع زبانی متعدد پی‌جی‌آی - 90/ دلیو اس/ 11 یونسکو را باید همراه با این راهنما به کار برد.

4-3. پرورش نیروی انسانی

تأسیس نهادها و پرورش نیروی انسانی از مباحث مهم در سیاستگذاری برای اصطلاحات است. ممکن است در مرحله اول سیاستگذاری نیاز به زیرساخت‌های اصطلاحات باشد. در این مرحله نیاز مبرمی به اصطلاح‌شناسان و به‌ویژه متخصصان سیاستگذاری اصطلاحات احساس می‌شود تا از بروز برخی مشکلات در اجرای سیاستگذاری جلوگیری شود. برنامه سامان‌دهی نیز برای پرورش نیروی انسانی باید تهیه شود تا تربیت اصطلاح‌شناسان

1. PGI-90/WS/11

2. Montviloff, Victor. *National Information Policies*. A handbook on the formulation, approval, implementation and operation of a national policy on information. Paris: UNESCO, 1990

ورزیده برای اجرای همه جانبه سیاست‌گذاری تدوین شده و دیگر فعالیت‌های ضروری مربوط به اصطلاحات را تسهیل کند.

از آنجا که اصطلاحات يك حوزه یا موضوع تخصصی با هر نوع نوآوری افزایش می‌یابد و اطلاعات از طریق اصطلاحات منتشر می‌شود و دانش نیز با اصطلاحات کسب می‌شود، متخصصان و گروه‌های ذی‌نفع در کل جامعه زبانی باید از تهیه اصطلاحات علمی، فنی، آموزشی و اقتصادی مناسب حمایت کنند. در کشورها یا جوامع زبانی کوچکتر که اصطلاحات آنها در حال توسعه است، در مرحله اول اجرای سیاست‌گذاری، اولویت با تهیه اصطلاحات پایه پرکاربردتر است. این اصطلاحات ممکن است مربوط به حوزه آموزش، بهداشت یا سلامت عمومی یا سامانه حمل و نقل عمومی و ... باشد. بنابراین باید حوزه یا حوزه‌های را که قرار است سیاست‌گذاری در آن اجرا شود اولویت‌بندی کرد.

مترجمان حوزه‌های تخصصی معمولاً در فرایندهای اصطلاح‌سازی نقش اساسی دارند، زیرا در فرایند ترجمه معمولاً اصطلاحات جدید در زبان مقصد را بر مبنای واژه‌های جدید در زبان مبدا می‌سازند. در همه موارد فرایند اصطلاح‌سازی و پذیرش اصطلاحات مستلزم همکاری نزدیک بین اصطلاح‌شناسان، متخصصان موضوعی،

زبان‌شناسان، مترجمان و همه کسانی است که به نحوی در فرآیند آموزش شرکت دارند. هماهنگی بین گروه‌های مختلف اصطلاح‌ساز از ظهور و گسترش اصطلاحات متناقض جلوگیری می‌کند. به‌کار بردن زبان‌های اقلیت، به حاشیه رانده شده و در حال توسعه در درون یک کشور ابزاری برای ارج نهادن به فناوری‌های بومی و ترکیب آنها با فناوری مدرن است؛ به این ترتیب، حمایت از توسعه زبان موجب حفظ میراث و تنوعات فرهنگی کشور هم می‌شود.

اگر برنامه‌ها شامل تأسیس نهادهای فعال در حوزه اصطلاحات باشد، ممکن است نیاز به تربیت متخصصانی در حوزه مدیریت طرح‌های مربوط به اصطلاحات، کار اصطلاح‌شناسی و اصطلاح‌نگاری نیز باشد. از سوی دیگر، اصطلاح‌نگاران که اصطلاحات را استخراج و با توجه به اصول و ضوابط خاص اصطلاح‌نگاری ثبت می‌کنند و نسخه پیشنهادی فهرست اصطلاحات را تهیه می‌کنند ممکن است نیاز به همکاری نزدیکی با متخصصان حوزه‌ای داشته باشند. اصطلاح‌شناسان نیز باید درباره اصول و روش‌های اصطلاح‌سازی در زبان دوم پژوهش کنند. پر واضح است که همه متخصصان اصطلاح‌شناسی باید دانش جامعی درباره خط، املاء و اصول واژه‌سازی زبان(های) مورد نظر داشته باشند. در این کار نباید از اهمیت مشارکت بخش خصوصی غافل بود. متخصصان می‌دانند که

باید با متخصصان سایر حوزه‌ها و نیز مردم عادی ارتباط برقرار کنند. اما پیش از آن باید در رشته خود و با استفاده از اصطلاحات روشن و بدون ابهام با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. در چنین شرایطی قادر به اجرای طرح‌های مربوط به اصطلاحات و تألیف فرهنگ‌های تخصصی در حوزه‌های مختلف خواهند بود. این افراد معمولاً اصطلاح‌شناس یا اصطلاح‌نگار نیستند و در فرایند اصطلاح‌سازی و ثبت سامانند اصطلاحات و در نهایت گردآوری مجموعه داده‌ها برای حوزه‌های تخصصی خود نیاز به کمک دارند.

4-4. نقش مؤسسات ملی اصطلاح‌شناسی

نقش مؤسسات ارائه‌دهنده خدمات اصطلاح‌شناسی مشاوره دادن و کمک به دولت در تدوین، توسعه، اجرا و حفظ راهبردهای مربوط به اصطلاحات و توسعه اصطلاحات است. در برخی موارد تنها یک مؤسسه اصطلاح‌شناسی این خدمات را برای یک یا چند کشور مهیا می‌کند. گاهی نیز خدمات مختلف اصطلاح‌شناسی را چندین مؤسسه در سطح ملی و منطقه‌ای به عهده دارند که معمولاً بخشی از وظایف اصلی آنهاست. گاهی مؤسسات تخصصی نیز خدماتی ارائه می‌دهند.

مؤسسات اصطلاح‌شناسی می‌توانند درباره سیاست‌گذاری و سایر مسائل مربوط به

اصطلاحات و زبان‌های تخصصی توصیه‌های کنند. همچنین می‌توانند برای کار اصطلاح‌نگاری و تسهیل آن و اجرای دستورالعمل‌های استاندارد به منظور جمع‌آوری، ثبت، سامان‌دهی، معیارسازی و توزیع اطلاعات مربوط به اصطلاحات برای جوامع زبانی یک کشور هنجارهایی وضع نموده و آنها را ارزیابی کنند. ضمناً این مؤسسات ممکن است دربارهٔ قراردادهای زبان تخصصی و همچنین مسائل اصطلاح‌نگاری اطلاع‌رسانی کنند. به علاوه، می‌توانند طرح‌های توسعهٔ زبان‌های تخصصی را با یکدیگر هماهنگ کرده، از آنها حمایت کنند و اجرای آنها را تسهیل کنند. این کار را می‌توان با ارائهٔ تسهیلات و محصولات اصطلاح‌شناسی به سامانه‌های ارتباطی و اطلاعاتی مرتبط انجام داد؛ مثلاً، با ایجاد و ادارهٔ پایگاه داده‌های اصطلاحی (پدا). در عصر شبکه‌سازی شبکه‌ها چنین پدایی می‌تواند شکل یک پدای مرکزی «مجازی» را به خود بگیرد که در واقع شامل شبکه‌ای از پدهای نامتمرکز است.

هدف کوتاه مدت مؤسسات ملی اصطلاح‌شناسی می‌تواند ایجاد مشارکت همهٔ شهروندان در حوزهٔ اصطلاحات باشد تا با استفاده از این امکانات ارتباط در سطوح مختلف رشته‌ها و حوزه‌های تخصصی به سهولت انجام گیرد. از دیگر اهداف کوتاه مدت می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: تولید محصولات چندزبانۀ مناسب در رشته‌های مختلف،

هماهنگ کردن تولید اصطلاحات با فعالیت‌های اصطلاح‌شناسی در بخش‌های دیگر، استحکام بخشیدن به روابط همکاران و هم‌سهم بران در این حوزه، ایجاد یک پدای ملی و احتمالاً توزیع اطلاعات اصطلاحی در میان کاربران، سهم بران و همکاران به صورت فهرست اصطلاحات، فرهنگ‌های تخصصی و رسانه‌های الکترونیکی. مؤسسات ملی اصطلاح‌شناسی علاوه بر تسهیل ارتباطات علمی، اقتصادی و فنی می‌توانند با افزایش قابلیت‌های علمی، اقتصادی، فنی و زبانی شهروندان نقش مهمی در انتقال دانش و در نتیجه در ارتقاء سطح فکری آنان، به طور کلی، ایفا کنند.

به سبب نیاز روز افزون به اصطلاحات ممکن است لازم باشد مؤسسه ملی اصطلاح‌شناسی به اتاق پایاپای برای کار اصطلاحات در کشور تبدیل شود. در چنین حالتی ایجاد هماهنگی کارآمد و مدیریت روند کار به منظور ثبت اصطلاحات برای جلوگیری از دوباره‌کاری و در نتیجه بالابردن سطح معیارسازی از اهمیت بسزایی برخوردار است. مؤسسه ملی اصطلاح‌شناسی می‌تواند به عنوان رابط ملی عمل کند و به ثبت درون‌دادهای اصطلاحی جوامع زبانی و حوزه‌های تخصصی مختلف در پایگاه‌های متمرکز یا نامتمرکز بپردازد. به این ترتیب، می‌توان از طریق یک دروازه اصلی¹

1. central gate

به اطلاعات اصطلاحی دست یافت. در نتیجه، مؤسسه ملی اصطلاح‌شناسی می‌تواند خدمات ارزشمندی به کل جامعه ارائه دهد. در کشورهایی که یک یا چند جامعه زبانی در مناطق وسیعی گسترده شده‌اند ممکن است زیرساخت نامتمرکز اصطلاحات بهترین راه برای حل مشکلات اجرای سیاستگذاری باشد. دفاتر نامتمرکز اصطلاح‌شناسی می‌توانند منابعی برای مؤسسه ملی اصطلاح‌شناسی باشند (مثلاً با ایجاد دسترسی یکسان کاربران به درگاه‌های متحد¹ برخی سازمان‌های اصطلاح‌شناسی). ممکن است این دفاتر در مناطقی باشند که حوزه‌های تخصصی بسیاری در آنها رواج دارند یا در منطقه جغرافیایی - زبانی باشند که اکثر سخنگویان بومی زبانی که نیازمند توسعه اصطلاحات است در آنجا هستند. طرح‌های مربوط به اصطلاحات را همچنین ممکن است افراد یا سازمان‌ها و انجمن‌های علمی مرتبطی به اجرا درآورند که نیاز به توسعه اصطلاحات در یک حوزه خاص را احساس کرده‌اند. به این ترتیب، زبان خود آنها می‌تواند در آن حوزه یا منطقه خاص کارکرد بیشتری بیابد.

4-5. ابتکارات بخش خصوصی

اصطلاحات در یک کشور چندزبانه سرمایه‌ای راهبردی محسوب می‌شوند، چرا که

1. federated portals

ابزار توزیع دانش و اطلاعات هستند. با استفاده از اصطلاحات درست، یکدست و معیار مهارت‌های ارتباطی علمی و فنی لازم تقویت می‌شود. به علاوه، داشتن مهارت‌های تخصصی و چهره حرفه‌ای در بازار اصطلاحات که عرضه‌کننده محصولات و خدمات اصطلاح‌شناسی به کاربران است ضرورت می‌یابد. کاربران این بازار عبارتند از:

- اصطلاح‌سازان (مانند پژوهشگران، فن‌ورزان، مدیران اجرایی و ...):
 - تولیدکنندگان داده‌های اصطلاحی (مانند معیارسازان اصطلاحات، سازندگان پداه، فرهنگ‌نگاران تخصصی و ...):
 - توزیع‌کنندگان داده‌های اصطلاحی (مانند ناشران فرهنگ‌ها، خدمات اطلاعاتی برخط¹ و ...):
 - به‌طور کلی همه شهروندان.
- محصولات اصطلاح‌شناسی اصولاً عبارتند از:
- انواع اطلاعات مربوط به اصطلاحات در اشکال مختلف و برای مقاصد و گروه‌های مختلف کاربران؛
 - ابزارهای اصطلاح‌شناختی برای مقاصد مختلف.
- اطلاعات مربوط به اصطلاحات (اگر ثابت اصطلاحات را هم جزئی از آن بدانیم) شامل سه نوع داده اساسی و متمایز است:

1. on - line

مانند، اقلام زیر که می‌توانند تک‌زبانه یا چندزبانه باشند:

- خود داده‌های اصطلاحی (یعنی اطلاعات مربوط به مفاهیم حوزه‌های خاص و بازنمایی آنها با نمادهای زبانی و غیرزبانی که با انواع داده‌های مرتبط تکمیل شده‌اند)؛
- داده‌های کتابنگاشتی انواع آثار چاپ‌شده در حوزه اصطلاحات؛
- داده‌های واقعی در مورد مؤسسات، متخصصان، برنامه‌ها، وقایع و دیگر فعالیت‌های حوزه اصطلاح‌شناسی.

هر یک از اینها به نوع خاصی از سامانه پایگاه داده‌ها نیاز دارند (که شامل مجموعه پایگاه‌های متمایز یا سامانه‌ای ادغامی از پایگاه‌های داده‌ها است که متشکل از تعداد زیادی مدل‌های داده‌ای مختلف است). مرکز اطلاعات و ثبت اصطلاحات باید دربردارنده این سه نوع سامانه پایگاه داده‌ها باشد، البته سامانه‌ها برای اهداف متفاوت و بر مبنای انواع مقوله‌های داده‌ای کاملاً تعریف شده (براساس «واحدهای اطلاعاتی» لازم برای ثبت هر مدل داده‌ای مفروض) طراحی شده‌اند. داده‌های تولید و نگهداری شده در چنین سامانه‌هایی به شرط همراه بودن با نرم‌افزارهای مربوط می‌توانند هم برای تولید انواع «محصولات» و هم به عنوان مبنایی برای ارائه انواع «خدمات» به کار روند.

داده‌های اصطلاحی به لحاظ صوری دانش تخصصی را در سطح مفاهیم بازنمایی می‌کنند که به شکل‌های زیر ارائه می‌شوند:

- صورت چاپی سنتی (مانند فرهنگ، واژه‌نامه، واژگان و ... چاپی)؛
 - به صورت نشر الکترونیکی (فقط شامل خود داده‌ها در یک قالب خاص یا در ترکیب با یک نرم‌افزار یا سخت‌افزار؛ مانند، فرهنگ‌های الکترونیکی)؛
 - از طریق خدمات اطلاعاتی بر خط.
- در رایانه‌های دستی یا حتی فرهنگ‌های الکترونیکی کوچکتر جیبی ممکن است داده‌های اصطلاحی در قالب ترکیبی تفکیک‌ناپذیر با نرم‌افزار یا حتی سخت‌افزار مورد نظر اجرا شوند.
- مشتریان می‌توانند داده‌های اصطلاحی را در بازار اصطلاحات فقط برای استفاده داخلی یا برای بازکاربرد¹، در جریان تبادل داده‌ها و غیره به دست آورند. با این

1. این واژه معادل واژه «re-use» به کار رفته است. اگر پایگاه داده‌های برای اصطلاحات زمی‌شناسی به فارسی و انگلیسی داشته باشیم و آن را در اختیار گروهی از مترجمان این حوزه قرار دهیم که می‌خواهند پایگاه داده‌های خود را گسترش دهند، گروه گیرنده داده‌ها ممکن است این داده‌ها را مثلاً در قالب TBX در آورد و وارد پایگاه خود کند. به این نحوه استفاده از داده‌ها «بازکاربرد» می‌گوییم. (توضیحات از رأیت)

حال، گروه‌های مختلف کاربران به داده‌های اصطلاحی با درجات مختلف دشواری و دانه‌گی¹ برای اهداف متفاوت نیازمندند. بنابراین، تهیه داده‌های اصطلاحی چندمنظوره برای کاربردها و کاربران مختلف که نیازهای آنها با رابط‌های کاربر خاص مشتری برآورده شده است بسیار اقتصادی خواهد بود. همچنین می‌توان از داده‌های اصطلاحی به عنوان اطلاعات اصلی به صورت بسیار کارآمدی استفاده کرد، به طوری که داده‌های دانشنامه‌های تخصصی بر پایه آنها سامان یابند. نرم‌افزارهای کاربرد اصطلاحات متداول‌ترین ابزار کار کردن با انواع داده‌های اصطلاحی به روش‌های مختلف هستند. انواع **سامانه‌های مدیریت اصطلاحات (ساما)** طراحی شده‌اند تا به شیوه‌ای تخصصی و با اهداف مختلف به ثبت، ذخیره، پردازش و

2. این واژه معادل واژه «granularity» است که از رشته نورشناسی وارد حوزه پردازش داده‌ها شده است. در نورشناسی هرچه میزان دانه‌گی لنز بیشتر باشد، جزئیاتی که شخصی می‌تواند ببیند بیشتر می‌شود. همچنین در پردازش داده‌ها هرچه دانه‌گی داده بالاتر باشد، واحدهای معنایی آن نیز کوچکتر می‌شوند. مثلاً دانه‌گی مقوله داده‌ای مانند «دستور» می‌تواند حوزه‌های جداگانه و جزئی‌تری مانند «اجزای کلام»، «عدد دستوری»، «جنسیت دستوری» و ... باشد. (توضیحات از رأیت)

برونداد داده‌های اصطلاحی بپردازند. **پایگاه داده‌های اصطلاحی** (پدا) شامل داده‌های اصطلاحی و یک سما است که این داده‌ها را پردازش می‌کند. گاهی پدهای بزرگ در ساختار سازمانی یا نهادی کمابیش پیچیده‌تری که برای جمع‌آوری و نگهداری مقادیر زیادی از داده‌های اصطلاحی تهیه شده‌اند جای داده می‌شوند و مورد استفاده کاربران بسیاری قرار می‌گیرند. بیشتر پدهایی که در حال حاضر در رایانه‌های شخصی نصب شده‌اند مورد استفاده افراد، شرکت‌های کوچک (چه جزئی از شبکه¹ محلی باشند یا نه) یا گروه‌های بزرگتر (که در آن محلهای کاری فردی معمولاً از طریق شبکه محلی یا اینترنت تقریباً پیچیده‌ای به هم متصل شده‌اند) قرار می‌گیرند.

سماها رفته‌رفته به ابزارهای چندمنظوره تبدیل شده‌اند که در حوزه‌های زیر کاربرد دارند:

- ترجمه ماشینی؛
 - مدیریت فنی و علمی (از جمله ثبت فنی)؛
 - مدیریت مواد²؛
 - تجارت الکترونیکی و ...؛
- از دیگر سو، حوزه‌های سما که از نظر پیچیدگی با یکدیگر تفاوت دارند در هم‌نرم افزارهای کاربردی قابل اجرا هستند.

1. Local Area Network (LAN)
2. spare-parts administration

امروزه این ابزارها در روند کار ارتباطات و اطلاعات کاربرد روزافزونی یافته و بنابراین در حوزه‌های زیر بازار فروش پیدا کرده‌اند:

- نگارش تخصصی گروهی (ویراستاران فنی)
 - مستندسازی (اطلاعات و اسناد و نیز بایگانی و طبقه‌بندی)؛ و
 - کارهای گروهی در حوزه اصطلاحات با کارهای گروهی در حوزه اصطلاحات به کمک رایانه (و کارهای پراکنده به کمک شبکه‌های رایانه‌ای) می‌توان تهیه، پردازش و نگهداری داده‌های اصطلاحی را سریع‌تر، کارآمدتر و همراستا با مدیریت کیفیت مدرن انجام داد.
 - خدمات اصطلاح‌شناسی که اکنون ارائه می‌شوند عبارتند از:
 - خدمات آموزشی و مشاوره‌ای در حوزه اصطلاحات؛
 - برون‌سپاری؛
 - خدمات اطلاع‌رسانی در حوزه اصطلاحات.
- توجه به خدمات مشاوره‌ای و آموزشی در کنار جنبه‌های کاربردی زیر بسیار ضروری است:
- استفاده از اصول و روش‌های اصطلاح‌شناختی (به‌خصوص استفاده بجا از استانداردهای موجود و دیگر استانداردهای مرتبط در اصول و روش‌های اصطلاح‌شناختی)؛

- انتخاب و استفاده از ابزارها (مانند نرم افزارهای پردازش داده‌های چندزبانه)؛
- مدیریت طرح‌های مربوط به اصطلاحات و

.....
 متخصصان امروزه معمولاً با نظریه‌های بنیادین منطق و معرفت‌شناسی که زیربنای فلسفه علم یا علم اطلاعات است آشنایی چندانی ندارند و در نتیجه آموزش مبانی نظری و روش‌شناختی علم اصطلاح‌شناسی و اصطلاح‌نگاری برای آنها ضروری است. در سازمان‌ها و مؤسسات بزرگ معمولاً باید روش‌ها و ابزارهای اصطلاح‌شناختی را با برنامه‌های مدیریت کیفیت یا مدیریت اطلاعات تلفیق کرد. در بسیاری از کشورها اداره‌های دولتی و دیگر مراجع دولتی خواستار اجرای سیاست‌گذاری‌های انتقال دانش هستند، که این کار اصولاً با بهره‌گیری از روش‌های مناسب برنامه‌ریزی اصطلاحات میسر است. مؤسسات و نهادها نیز درباره‌ی مسائل حقوقی مرتبط با کاربرد داده‌ها و ابزارهای اصطلاح‌شناختی (به‌ویژه در مورد حقوق مالکیت معنوی) نیاز به مشاوره دارند.

امروزه بیشتر مؤسسات و سازمان‌ها برون‌سپاری را شیوه‌ی مناسبی برای برآورده کردن نیازهای اصطلاحی محدود خود می‌دانند. برون‌سپاری ممکن است شامل موارد زیر باشد:

- پژوهش و توسعه در حوزه ابزارها یا کاربردهای جدید؛
- تطبیق ابزارهای موجود و ...مانند:
 - طراحی و اجرای سما یا حتی پدا؛

- فرا جستجوگرها برای شبکه های اطلاعاتی و ...؛
- کار های مرتبط با اصطلاحات مانند:
 - تهیه اصطلاحات؛
 - نگهداری اصطلاحات (از جمله بازبینی و روزآمدسازی)؛
 - تغییر یا ادغام داده های اصطلاحی؛
 - ارزیابی و تأیید داده های اصطلاحی و ...؛
- خدمات نگهداری و مراقبت با توجه به:
 - نگهداری و ارتقاء نرم افزار سما؛
 - نگهداری مخازن داده های جامع و ...

امروزه محصولات و خدمات اصطلاح شناسی _____ مانند وضعیت کلی حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات (فاوا) _____ در قالب یکی از چندین نوع خدمات اطلاعاتی یا ضمیمه آنها بیش از پیش در بازار موجود است. روند ادغام این محصولات و خدمات در دیگر کاربردهای فاوا نیز رو به رشد است.

تلاش های انجام شده برای ایجاد شبکه های اطلاعاتی انتفاعی به منظور توزیع داده های اصطلاحی در میان گروه های مختلف کاربران را نباید نادیده گرفت:

- خود داده های اصطلاحی و نیز
 - محصولات و خدمات ارزش افزوده اصطلاح شناختی
- به این ترتیب، مشتریان باید برای محصولات و خدمات اصطلاح شناسی هزینه کنند. با

این حال، هر چه امکان انتخاب مشتریان از میان انواع رو به فزونی محصولات و خدمات اصطلاح‌شناسی گسترش یابد، امکان دسترسی به آنها نیز بیشتر و بهتر خواهد شد. بنابراین، زیرساخت‌های ملی اصطلاحات، متمرکز و نامتمرکز، باید از طریق کمک‌های اصطلاح‌شناختی و اصطلاح‌نگاشتی و/یا آموزش همکاری بسیار نزدیکی با صنایع خصوصی برقرار کنند. متخصصان شاغل در سطح ملی نیز می‌توانند در ویرایش و تکمیل محصولات نهایی و انتشار و بازاریابی آنها کمک کنند. هر چه سیاستگذاری‌ها چندزبانه‌تر و غیرانحصاری‌تر باشند، بازارهای بالقوه بیشتری نیز خواهند داشت.

هم نهادهای دولتی می‌توانند برنامه‌ریزی و اجرای سیاستگذاری ملی برای اصطلاحات را عهده‌دار شوند و هم می‌توان این کار را به سازمان‌های خصوصی (شرکت‌های مشاوره‌ای تجاری یا سازمان‌های مردم‌نهاد) واگذار کرد.

5. تهیه، تدوین و اجرای سیاستگذاری

این راهنما به تدوین و اجرای سیاستگذاری که خاص اصطلاحات است کمک می‌کند. چنین سیاستگذاری می‌تواند در بسیاری از کشورها بخشی از سیاستگذاری برای اطلاعات یا سیاستگذاری مربوط به فعالیت‌های اطلاعاتی دولتی و غیردولتی باشد. مؤسسات دولتی و خصوصی معمولاً به تدوین قوانین، قراردادهای و راهنماهای بسیاری برای گردآوری و حفاظت از اطلاعاتی که باید پاسخگویی نیازهای خاص اقتصادی، اجتماعی یا سیاسی آنها باشد می‌پردازند. بسیاری از این قوانین، قراردادهای و راهنماها با موفقیت اجرا شده‌اند و اکنون مبنای عملیاتی کردن و توسعه فعالیت‌های خاصی قرار گرفته‌اند. با این حال، گاهی یک‌دست نبودن آنها باعث آشفتگی می‌شود و در اغلب آنها نقش بنیادی اصطلاحات نادیده گرفته می‌شود. با توسعه و همگرایی سریع فناوری‌های مدرن اطلاعات و ارتباطات مسائل به‌طور فزاینده‌ای پیچیده‌تر می‌شوند. با اینکه توجه اصلی این راهنما به سیاستگذاری برای اصطلاحات است، ضرورت ادغام و هماهنگی این سیاستگذاری با سایر سیاستگذاری‌ها را نباید از نظر دور داشت.

با توجه به تجارب تدوین سیاستگذاری ملی برای دانش و اطلاعات، مراحل توسعه سیاستگذاری برای اصطلاحات در این راهنما به قرار زیر است:

- مرحله 1- زمی‌نه سازی برای سیاستگذاری؛
 - مرحله 2- تدوین سیاستگذاری؛
 - مرحله 3- اجرای سیاستگذاری؛
 - مرحله 4- عملیاتی کردن مداوم زیرساخت اصطلاحات و سازوکار انطباق با سیاستگذاری
- این ترتیب برای سیاستگذاری اصطلاحات در سطح کشور یا جامعه زبانی در نظر گرفته شده است که به راحتی می‌توان آن را بر دیگر سطوح یا محیط‌های سازمانی نیز منطبق کرد.

فرایندها باید مبتنی بر زمینه‌سازی‌های کاملی باشد. مرحله‌ی زمینه‌سازی ممکن است شامل موارد زیر باشد:

- ارزیابی محیط زبانی و اصطلاحی و قوانین موجود؛
- فعالیت‌های طراحی‌شده برای ایجاد هوشیاری زبانی و تلاش برای به رسمیت شناخته شدن این فعالیت‌ها؛
- معرفی روش و راهکارهای موجود و ممکن؛
- تهیه اسناد اولیه؛
- سازمان‌دهی فرایند مشورتی ملی.

5-1-1. ارزیابی محیط زبانی و اصطلاحی

لازم است ارزیابی جامعی از وضعیت فعلی توسعه زبان تخصصی در جامعه زبانی و نیز در جوامع تخصصی بالقوه و بالفعل به عمل بیاید؛ همچنین تأثیر زبان تخصصی بر سایر سیاست‌ها و راهبردها یا تعامل زبان تخصصی با آنها نیز بررسی شود. ضمناً بهتر است نگرش‌های کلی جامعه زبانی نسبت به زبان و اصطلاحات نیز سنجیده شود. این ارزیابی باید عوامل مؤثر و موانع اجتماعی و روان‌شناختی سیاست‌گذاری را مشخص سازد. دیگر جنبه‌های آشکار و پنهان و نیز سایر مشکلات باید مشخص شوند. به علاوه، این ارزیابی باید شامل تحلیل مزایای مستقیم و غیر مستقیم و هزینه‌های احتمالی باشد که در تدوین و اجرای سیاست‌گذاری به آن اشاره شده است. همچنین، اهداف بلند مدت و دامنه

سیاستگذاری و نیز راه‌های اجرای آن باید به وضوح مشخص شوند تا امکان ارزیابی کامل موقعیت برای رسیدن به نتایج معتبر میسر گردد. این فرایند می‌تواند به شکل یک مطالعه موردی یا حداقل شامل یک مطالعه موردی باشد.

زمینه‌سازی ابتدایی باید شامل مرور چارچوب سیاستگذاری یا چارچوب نظارتی با توجه به اطلاعات (اطلاع از قانون اساسی، قوانین عمومی، قوانین مصوب، راهنماهای ملی، احکام و ...) باشد. ممکن است نشان دادن تناقضات و ناهم‌هنگی‌های سیاستگذاری و قوانین حقوقی جاری نیز مؤثر باشد.

گردآوری این اطلاعات با سه هدف اصلی انجام می‌شود:

- اثبات ضرورت سیاستگذاری ملی برای اصطلاحات؛
 - ارزیابی میزان آگاهی متخصصان و کاربران از این ضرورت؛
 - مشخص کردن خلأها و ناکارآمدی‌های سیاست‌های موجود.
- سند یا اسناد چشم انداز باید شامل موارد زیر باشد:
- معرفی محیط فیزیکی، اجتماعی، اقتصادی و اداری؛
 - ارزیابی اصلی‌ترین اهداف بلندمدت ملی (شامل اولویت‌های سیاسی و اولویت‌های هر یک از بخش‌های جامعه در برنامه توسعه ملی)؛

- ارزیابی موقعیت اجتماعی - اقتصادی جوامع زبانی مورد نظر؛
 - ارزیابی منابع ملی اصطلاحات و زبان، از جمله تحلیل وضعیت اصطلاحات در زبان؛
 - ارزیابی مؤسسات اصلی زبان و اصطلاح‌شناسی، منابع و خدمات آنها؛
 - ارزیابی کاربران ملی: انواع اصلی کاربران شخصی و سازمانی، نیازهای آنها به اصطلاحات؛
 - ارزیابی وضعیت فعلی سیاست‌گذاری‌های مربوط به زبان: به لحاظ دامنه و سطح زیر پوشش، سازوکارهای تدوین و اجرا و ناکارآمدی‌های آنها؛
 - نتیجه‌گیری مختصری که ضرورت سیاست‌گذاری برای اصطلاحات را بیان کند و میزان آگاهی از این نیاز و محدودیت‌های اصلی اجرای آن را نشان دهد.
- مرحلهٔ زمینه‌سازی را بیشتر متخصصان حوزه‌ای انجام می‌دهند که به صورت کارگروه‌هایی که شخص، گروه یا نهادی آنها را هماهنگ می‌کنند سازماندهی شده‌اند. تدوین آراء و ارائهٔ نتایج به شیوه‌ای دقیق و قابل فهم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و تضمین‌کنندهٔ درک صحیح همهٔ سهم‌بران و تصمیم‌گیرندگان است.

5-1-2. تلاش برای افزایش میزان آگاهی مردم و به رسمیت شناخته شدن

همان‌طور که پیشتر نیز گفته شد، حمایت رسمی یا لاقلاً انگیزه‌دهی رسمی دقیقاً باید در ابتدای مرحلهٔ زمینه‌سازی، تدوین و اجرای سیاستگذاری انجام شود. پیش از اینکه دستورالعمل‌های تأیید رسمی برای اجرای سیاستگذاری صادر شود، باید فعالیت‌هایی برای افزایش میزان آگاهی مردم صورت گیرد. ماهیت آگاهی‌افزایی ممکن است در طول زمان تغییر کند. توصیه می‌شود که در طی این مرحله مجریان، تصمیم‌گیرندگان، قانون‌گذاران و متخصصان موضوعی و همچنین چهره‌های برجستهٔ جامعه و رسانه‌ها همه وارد عمل شوند. حمایت فعالانهٔ شخصیت‌های مهم که اهداف طرح را به خوبی درک می‌کنند در پی‌ریزی بنیانی محکم برای فعالیت‌های آینده بسیار مهم است. این تلاش‌ها باید تاحدی به شناسایی اسناد موجود (پژوهش‌ها، مطالعات، بررسی‌ها و ...)، گردآوری نمونه‌ها و تجربیات کشورهای خارجی و مشخص کردن خلأهای موجود، که باید برای ارزیابی محیط زبانی و اصطلاحی برطرف شوند، بینجامد.

5-1-3. توصیه‌هایی در مورد روش و روال کار

پس از کامل شدن تحلیل‌ها و ارزیابی‌ها و مشخص شدن اهداف بلندمدت و دامنهٔ

برنامه، باید فهرست کاملی از مناسبترین روش‌ها و مراحل انجام آنها تهیه شود. این روش‌ها و مراحل ممکن است در جوامع زبانی مختلف و نیز در میان متخصصان و جوامع کاربر آن زبان تفاوت‌های چشمگیری با یکدیگر داشته باشند. همچنین، باید به آنها به عنوان منابع و ظرفیت‌های موجود و مورد نیاز نگاه کرد. اشاره به نمونه‌هایی از بهترین شیوه‌های عملی و تجربیات کشورهای خارجی، با توجه ویژه به تفاوت‌های محلی، اهمیت بسیاری دارد.

توصیه‌های تدوین شده در این مرحله باید مختصر باشند و فرایند تصمیم‌گیری در مراحل بعدی را تسهیل کنند.

5-1-4. تهیه اسناد اولیه

تهیه اسناد اولیه با دو هدف انجام می‌شود:

- برای مقایسه نتایج ارزیابی و بررسی‌ها با منابع و ظرفیت‌های موجود در پایان کار به منظور برآورد میزان موفقیت طرح؛
- برای مبنا قرار دادن این اسناد به منظور مشاوره عمومی در سطح ملی (یا در سطح جامعه زبانی) درباره مسائل مربوط به سیاست‌گذاری برای اصطلاحات. نتایج حاصل از ارزیابی وضعیت موجود باید در یک یا چند سند چشم انداز

فشرده که یافته‌های موجود را نشان می‌دهند و تحلیل می‌کنند گنجانده شود تا بتواند حوزه‌های اصلی مشکلات را که احتمال تأثیرگذاری آنها بر سیاستگذاری ملی برای زبان و اصطلاحات بیشتر است مشخص کند. این تحلیل سنجیده همراه با اسناد چشم‌انداز که در بالا به آن اشاره شد می‌تواند برای بازنگری در سطح ملی ارائه شود که، به این ترتیب، اسناد اصلی مشاوره در این سطح را تشکیل می‌دهند. با این حال، برخی کشورها ممکن است ترجیح دهند که سند چشم‌انداز و تحلیل را در يك سند واحد بگنجانند که این کار هیچ تأثیر عمده‌ای بر امر مشاوره نخواهد داشت.

باید در ترکیب و شیوه ارائه این اسناد دقت بسیاری کرد تا تدوین و ارائه آن ساده و روشن باشد، به طوری که غیرمتخصصان (مسئولان اجرایی، تصمیم‌گیرندگان، قانون‌گذاران و البته عموم مردم) نیز بتوانند به راحتی مفهوم آن را دریابند.

5-1-5. سازمان‌دهی روال مشاوره در سطح جامعه

در بیشتر موارد، سازمان دهی و اجرای فرایند مشاوره انتخابی (به لحاظ افرادی که برای مشاوره انتخاب می‌شوند) حتی در جریان تهیه اسناد چشم‌انداز نیز بسیار مفید خواهد بود. با توجه به وضعیت واقعی جامعه زبانی مورد نظر، فرایند

مشاوره عمومی در سطح ملی یا در سطح جامعه محدودتری می‌تواند در مرحله بعدی هم صورت گیرد یا در طی هر مرحله اصلی از فرایند تدوین و اجرای سیاستگذاری تکرار گردد. چنین مشاوره‌هایی ممکن است اهداف بلند مدت مختلفی را دنبال کنند و، بنابراین، می‌توانند صورتهای متفاوتی نیز به خود گیرند مانند:

- جلسه؛
 - مصاحبه؛
 - نظر سنجی (مثلاً با توزیع پرسشنامه).
- نتایج نظرسنجی(ها) باید ثبت و خلاصه گردد و در فرایند تدوین سیاستگذاری و سایر فعالیتهای ارتقایی آن ادغام گردد.

5-2. مرحله 2- تدوین سیاستگذاری

به محض اینکه فعالیتهای تعیین‌شده در مرحله 1 انجام شد، می‌توان پیشنویس سیاستگذاری ملی برای اصطلاحات را بر مبنای اختیارات تفویض‌شده از طرف مقامات مسئول تهیه کرد. این مرحله شامل مراحل زیر است:

- تهیه پیشنویس سیاستگذاری؛
- تهیه پیشنویس برنامه‌ای برای هماهنگی این سیاستگذاری با دیگر سیاستهای برنامه‌ریزی راهبردی؛
- تهیه برنامه‌ای برای اجرای طرح؛
- ارائه پیشنویس نهایی سیاستگذاری (سند و برنامه اجرای آن)؛

• تصمیم‌گیری راجع به سیاستگذاری نهایی (سند و برنامه اجرای آن).
کشورها اغلب پوشش سیاستگذاری برای اصطلاحات خود را به اطلاعات علمی - فنی و منابع و خدمات اطلاعاتی مربوط محدود می‌کنند. آگاهی از این حقیقت که اصطلاحات مؤلفه ضروری اطلاعات علمی - فنی هستند باید به تدریج و همراه با ارتقاء اطلاعات علمی - فنی به عنوان منبعی متداول که ارزش تجاری بسیاری دارد و می‌تواند برای توسعه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه مؤثر باشد نهادینه شود.

5-2-1. تهیه پیش‌نویس سیاستگذاری

انتظار می‌رود که سیاست‌های تدوین‌شده بر مبنای این رویکرد نیاز کشور یا جامعه زبانی به اصطلاحات را تا آنجا که محدودیت منابع اجازه می‌دهد برطرف کنند. پیش‌نویس باید به گونه‌ای تدوین شود که اهداف کوتاه‌مدت، دامنه، منافع، سهم‌بران اصلی و سمت و سوی اجرای سیاستگذاری در جهت تسهیل فرایند تصمیم‌گیری سیاسی باشند. در این مرحله، شاید ارزیابی هر یک از بخش‌های پیش‌نویس مفید باشد؛ در این ارزیابی نیاز به همکاری افراد مطلعی است که نقاط قوت و ضعف و به‌طور کلی افراط و تفریط‌های به عمل آمده را برای ورود به مرحله اجرا مشخص کنند.

5-2-2. هماهنگسازی برنامه‌ریزی اصطلاحات با دیگر سیاست‌های برنامه‌ریزی راهبردی

روند رو به رشد گرایش به جامع‌ه جهانی دانش و اطلاعات در سال‌های اخیر موجب تحوی اساسی در نگرش حکومت‌ها به فعالیت‌های اطلاعاتی شده، به‌طوری‌که آنها را مجبور ساخته است تا در اولویت‌های ملی‌خود تجدید نظر کنند و سیاست‌های جدیدی را پیش‌گیرند. امروزه تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی نیاز به داده‌هایی از منابع ملی و بین‌المللی دارد که مستلزم اصطلاحات حوزه‌های فرهنگی، علمی - فنی، مالی و اجتماعی است. بنابراین، نباید مسئله سیاستگذاری برای اصطلاحات را جدا از سایر مسائل تلقی کرد، بلکه باید آن را سندی هماهنگ با سیاست یا راهبرد توسعه عمومی و/یا دیگر راهبردها و سیاست‌های مرتبط با توسعه دانست. این هدف کوتاه‌مدت را می‌توان به صورت سیاستی یکپارچه، مرکب از سیاستگذاری برای اصطلاحات و سایر جنبه‌های سیاستگذاری اجتماعی، که اهداف کوتاه‌مدت زیر را تأمین می‌کند محقق کرد:

- مرتبط کردن سیاستگذاری برای اصطلاحات به سیاستگذاری کلی برای توسعه؛
- تعیین جایگاه سیاستگذاری برای اصطلاحات با توجه به فعالیت‌های

توسعه ملی (و بنابراین توجیه نیاز به منابع و امکانات)؛

- راهنمایی سازمان‌های دولتی و شرکت‌های خصوصی و همچنین سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن) و سازمان‌های غیرسیاسی برای مدیریت و برنامه‌ریزی منابع و خدمات؛

- ایجاد مبنایی برای تجدید نظر در سیاستگذاری برای اصطلاحات مطابق با تغییر شرایط؛

- مرتبط کردن سیاست گذاری برای اصطلاحات به سیاستگذاری برای ترجمه علمی - فنی و سیاستگذاری‌های مرتبط با مدیریت فرآیندهای ارتباطات چندزبانه؛

- برجسته کردن تأثیر سایر سیاستگذاری‌های به هم مرتبط بر سیاستگذاری برای اصطلاحات.

قاعدتاً باید سندی حاوی مسائل هماهنگی نیز همراه طرح پیشنهادی سیاستگذاری برای اصطلاحات باشد.

5-2-3. برنامه اجرای سیاستگذاری

توسعه کارآمد برنامه‌ریزی اصطلاحات و شبکه‌ها در سطح منطقه‌ای به میزان بسیاری به وجود سایر زیرساخت‌های ملی بستگی دارد. امروزه اعتقاد بر این است که تدوین و اجرای سیاستگذاری مناسب برای منابع و خدمات خاص باعث پی‌شردن توسعه این زیرساخت‌ها و نقش آنها در

همکاری‌های ملی و منطقه‌ای در حوزه اطلاعات می‌شود. این مرحله به همراه برنامه‌ریزی به موقع و وجود منابع انسانی کافی نقش مهمی در برنامه‌ی اجرایی سیاستگذاری ایفا می‌کند. تقاضای بودجه برای مرحله‌ی اجرا باید تناسب واقع‌بینانه‌ای با اهداف کوتاه‌مدت، دامنه و اهداف بلندمدت و نیز منافع مورد نظر داشته باشد. به بیان دقیق‌تر، برنامه‌ی تحقق شامل موارد زیر خواهد بود:

- انتخاب راهبردهای مناسب برای رسیدن به اهداف کوتاه‌مدت و بلندمدت در یک دوره‌ی زمانی مشخص؛
 - اولویت‌بندی مسائل مختلف سیاستگذاری برای اصطلاحات؛
 - اختصاص منابع برای اجرای برنامه‌های مرتبط؛
 - پیشنهادی در مورد سازوکار هماهنگی (درون این سیاستگذاری و نسبت به سایر سیاستگذاری‌ها).
- مسائل مدیریت راهبردی مطرح شده، با توجه به دامنه‌ی سیاستگذاری و پی‌چیدگی شرایط، باید مبتنی بر بررسی‌های اولیه درباره‌ی موارد زیر باشد:
- طراحی سازوکاری برای اجرای فعالیت‌های مرتبط با سیاستگذاری؛
 - تهیه‌ی برنامه‌ای کاری برای رسیدن به اهداف بلندمدت سیاستگذاری؛

- تأمین منابع مالی برای اجرای فعالیت‌های مرتبط با سیاستگذاری؛
 - طراحی اقداماتی برای ارزیابی دوره‌ای برنامه کاری و ایجاد تغییراتی در آن.
- در بیشتر موارد باید پیشنویس برنامه اجرای سیاستگذاری همراه طرح پیشنهادی سیاستگذاری برای اصطلاحات باشد.

5-2-4. ارائه اسناد سیاستگذاری برای اصطلاحات و برنامه اجرای آن

بررسی دقیق مراحل مختلف تهیه پیشنویس متن نهایی سیاستگذاری و انگیزه‌دهی به جوامع تخصصی حامی این فعالیت‌ها امر بسیار مهمی است. پیشنویس متن نهایی سیاستگذاری باید سندی شفاف و نسبتاً کوتاه باشد و اطلاعات دقیق و روزآمدی در باره مسائلی که باید مورد توجه دولت‌ها و سایر تصمیم‌گیرندگان سیاسی قرار گیرد ارائه دهد. این سند به دلایل زیر مورد نیاز است:

- مبنا قرار گرفتن برای تهیه پیشنویس متن حقوقی به منظور ارائه برای تصویب رسمی؛
- فراهم آوردن مرجعی برای دسترسی آسان به مسائل موجود در سیاستگذاری پیشنهادی؛

- روشن شدن مشکلات اجرایی سیاستگذاری، هم به لحاظ کارهای تعهد شده و هم به لحاظ منابع مورد نیاز.
- تهیه فهرست دقیقی از نقاط قوت و ضعف وضعیت فعلی اصطلاحات در کشور یا جامعه زبانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.
- سرانجام اینکه، باید در شیوه تنظیم این سند بسیار دقت کرد، زیرا مرجعی است برای مسئولان اجرایی، تصمیم‌گیرندگان و قانون‌گذاران که در حوزه اصطلاحات تخصصی ندارند و وظیفه آنها فقط تصویب این سیاستگذاری است.
- همچنین بسیار مهم است که بهترین مقطع زمانی برای ارائه سیاستگذاری جدید به دولت برای تأیید و هماهنگی با سایر سیاستها در نظر گرفته شود، زیرا زمان‌بندی در این مرحله نقش بسیار مؤثری در موفقیت دارد.

5-2-5. تصمیم‌گیری درباره اسناد نهایی

برای سیاستگذاری و برنامه اجرایی آن تصویب رسمی سیاستگذاری نهایی به روشهای مختلف انجام می‌شود:

- با اعلام رسمی یا تصویب قانون (یا هر نوع تمهید قانونی دیگر):
 - با ارجاع به سند نهایی سیاستگذاری و برنامه اجرا؛
 - بر مبنای سیاستگذاری نهایی (سند و برنامه اجرا)؛

- با قبول رسمی و صدور حکمی به مجموعه اجرایی برای آغاز اجرای طرح؛
 - سایر تصویب‌های رسمی، مخصوصاً هنگامی که سازمان‌های مردم‌نهاد سیاست‌هایشان را وضع می‌کنند.
- نه تنها این سند باید به تصویب رسمی مسئولان اجرایی، سیاستمداران، قانون‌گذاران، تصمیم‌گیرندگان (در سازمان‌های مردم‌نهاد و سازمان‌های غیرسیاسی)، مردم و رسانه‌ها برسد، بلکه باید برنامه‌ای واقعاً اجرایی باشد و نه فقط یک تکه کاغذ. به علاوه، تصویب‌کنندگان برنامه باید در طول مدت اجرا از آن حمایت کنند.

5-3. مرحله 3- اجرای سیاستگذاری

- در بیشتر موارد، باید در مرحله 3 اسناد و طرح‌های پیشنهادی که تاکنون تهیه شده‌اند برای تسهیل در اجرای برنامه به صورت برنامه‌های کاری مشخص و سایر اسناد برنامه‌ریزی عملیاتی درآیند تا کارآیی بیشتری پیدا کنند. این مرحله ممکن است شامل موارد زیر باشد:
- مدیریت تمام مراحل اجرای برنامه؛
 - برنامه‌ریزی عملیاتی و سازمانی اجرای برنامه؛
 - برنامه‌ریزی فعالیت‌های ترویجی و تبلیغی.
- در این مرحله نیز شرکت فعالانه مدیران، سیاستمداران، قانون‌گذاران، رسانه‌ها و

چهره‌های سرشناس جامعه می‌تواند در موفقیت اجرای سیاست‌گذاری تأثیر به‌سزایی داشته‌باشد.

5-3-1. مدیریت اجرای سیاست‌گذاری

مدیریت اجرای سیاست‌گذاری را می‌توان با توجه به جمعیت جامع‌ه زبانی، پیچیدگی وضعیت و دامنه سیاست‌گذاری به گروه‌های زیر سپرد:

- يك يا چند مؤسسه دولتي؛
 - يك کمیته یا گروهی از مردم؛
 - مؤسسه یا سازمانی که این وظیفه به آن محول شده است؛
 - مؤسسه یا سازمان تازه تأسیس.
- تصمیم‌گیری در مورد اینکه چه گروه، مؤسسه، سازمان یا ساختاری مدیریت اجرای سیاست‌گذاری را عهده‌دار شود اهمیت فراوانی دارد. توجه به نتیجه بررسی‌ها، ارزیابی‌ها و مشاوره‌ها به این تصمیم‌گیری کمک می‌کند. کیفیت اسناد چشم‌انداز و بررسی‌های اولیه نیز بسیار مهم است. با این حال، ملاحظات مربوط به وضعیت سیاسی موجود بر این تصمیم‌گیری تأثیرگذار خواهد بود. به هر حال، اگر گروه، مؤسسه یا سازمان تعیین‌شده نتواند انتظارات را برآورده کند، باید امکان تجدید نظر وجود داشته‌باشد.

5-3-2. برنامه‌ریزی عملیاتی و سازمانی مرحله اجرای سیاستگذاری

تصمیم‌گیری در موارد زیر باید بر مبنای بررسی‌ها و توصیه‌هایی که پیشتر ذکر شد انجام گیرد:

- ایجاد سازوکار هماهنگی؛
 - تدوین برنامه کاری و روال اجرای آن؛
 - تخصیص منابع انسانی و مالی؛
 - اجرای سازوکار نظارتی.
- تعیین دقیق وظایف و مراحل مهم و تعیین نتایج به صورتی که هم قابل اندازه‌گیری باشد و هم سودمند بسیار مهم است. به احتمال بسیار اجرای برنامه با سازوکار ارزیابی همراه خواهد بود که انجام اصلاحات و جرح و تعدیل به موقع در برنامه‌ریزی عملیاتی و سازمانی را میسر خواهد کرد.

5-3-3. تبلیغ و ترویج

موفقیت مرحله اجرا در گرو تبلیغ و ترویج است. اگر نگرش عموم مردم نسبت به سیاستگذاری بی‌طرفانه یا خصمانه باشد، در نهایت این سیاستگذاری و اجرای آن ناموفق خواهد بود. در چنین وضعی استفاده جدی از نظام آموزشی بسیار مناسب می‌نماید. به هر ترتیب، اقدامات تبلیغی و ترویجی نیز نیازمند برنامه‌ریزی، اجرا و ارزیابی دقیق و

سامانند است. نه تنها همکاری با رسانه‌ها بلکه طراحی دقیق برنامه‌ها و فعالیت‌های رسانه‌ای نیز برای برآورده کردن نیازها و انتظارات مخاطبان محلی بسیار ضروری است. رسانه‌ها می‌توانند از طریق پخش رادیویی (مانند رادیوی محلی)، تشکیل گروه‌های نمایشی (مثلاً برای آموزش بهداشت، مخصوصاً در مناطق روستایی و محروم)، نصب اعلان (مثلاً در بیمارستان‌ها) و ... عمل کنند. آموزش عملی و نظری در همه سطوح سنی یکی از مهم‌ترین عرصه‌های ترویج است.

4-5. مرحله 4_ استمرار بخشیدن به زیرساخت‌های اصطلاحات

سیاست‌گذاری برای اصطلاحات ——— حتی در مرحله اجرا که نمایانگر سرمایه‌گذاری بزرگ ملی است ——— باید به عملیاتی کردن مداوم زیرساخت اصطلاحات در آینده توجه داشته باشد. پیش‌بینی سازوکارهای لازم برای انطباق سیاست‌گذاری و زیرساخت‌های آن به تناسب موقعیت‌های جدید امری ضروری است. مدیریت «تغییر» یکی از اصلی‌ترین ملزومات شغلی مدیران زیرساخت‌های اصطلاحات است.

شکل 2 در زیر، این مراحل را به اختصار نشان می‌دهد (البته باید توجه داشت که این مراحل و وظایف همیشه هم به این ترتیب انجام نمی‌شوند، بلکه گاهی ممکن است

همپوشانی داشته باشند و حتی گاهی به‌طور همزمان انجام شوند):

مرحله 1 زمینه‌سازی

- ارزیابی محیط زبانی و اصطلاحی و قوانین موجود؛
- ایجاد آگاهی و تلاش برای به رسمیت شناخته شدن؛
- معرفی روش و روال‌های موجود یا ممکن؛
- تهیه اسناد اولیه؛
- سازمان‌دهی فرآیند مشاوره ملی.

مرحله 2 تدوین

- تهیه پیشنویس سیاستگذاری؛
- تهیه پیشنویس برنامه هماهنگی این سیاستگذاری با سایر سیاست‌های برنامه‌ریزی راهبردی؛
- تهیه برنامه‌ای برای اجرای سیاستگذاری؛
- ارائه (پیشنویس) سیاستگذاری نهایی (سند و برنامه اجرا)؛
- تصویب رسمی سیاستگذاری نهایی (سند و برنامه اجرا).

مرحله 3 اجرا

- مدیریت تمام مراحل اجرا؛
- برنامه‌ریزی عملیاتی و سازمانی برای مرحله اجرا؛

برنامه‌ریزی فعالیت‌های تبلیغی و
ترویجی.

**مرحله 4 عملیاتی کردن مداوم و سازوکار
انطباق**

شکل 2: خلاصه مراحل

چکیده

این راهنما بر اساس تجارب برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری برای اصطلاحات در کشورهای متعدد جهان که از نظر توسعه اقتصادی در سطوح گوناگونی قرار دارند تهیه شده است. با رعایت ملاک‌های زیر احتمال موفقیت سیاست‌گذاری ملی برای اصطلاحات افزایش می‌یابد:

- اتخاذ رویکردهای انسجام‌دهنده و مبتنی بر همکاری که انعطاف‌پذیر و کاربردی باشند؛
- حمایت فعالانه از مدیریت منابع انسانی در مورد کارکنان داخلی، برنامه‌ریزی شغلی و آموزش الکترونیکی در مؤسسات و شبکه‌های مرتبط؛
- اجرای طرح‌های مدیریت دانش (به اشتراک گذاشتن دانش) در مؤسسات و شبکه‌های مرتبط و نیز برای همکاران در سطح کشور و در سطح بین‌المللی؛
- حفظ رابطه نزدیک با نوآوری‌های فناورانه و انتقال دانش؛
- کسب مدارج بالایی تحصیلی و مهارت‌های زبانی و تا حدی زبان شناختی؛
- تخصص‌های استفاده مداوم و معقول از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات (فاوا) و به‌ویژه از فناوری‌های زبانی؛
- اتخاذ روش‌ها و سیاست‌گذاری‌های پژوهش‌بنیاد؛

• ترویج مدیریت تخصصی، اعتماد، انگیزه، و نگرش‌ها و ویژگی‌های مشترک. وضعیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی یک کشور و جمعیت جوامع زبانی بی‌تردید رویکردهای مختلفی را در حوزه سیاست‌گذاری برای اصطلاحات ایجاد می‌کند. با این حال، ملاحظات بسیار کلی‌ای وجود دارند که باید فارغ از هر موقعیت خاص در نظر گرفته شوند:

1) صرف زمان بیشتر در مرحله زمی‌نه‌سازی،

بازده بیشتر در مراحل بعدی: همانگونه که قبلاً نیز اشاره شد، مطالعات مقدماتی و اسناد حاصل از آن مبنای همه فعالیت‌های بعدی مربوط به سیاست‌گذاری برای اصطلاحات است. اینها اسناد مرجع داخلی و اسناد اصلی هستند که مبنای استدلال برای عموم قرار می‌گیرند. هر چه این مطالعات دقیق‌تر و جامع‌تر باشند، صرفه‌جویی در وقت و منابع مالی نیز در نهایت بیشتر خواهد شد. همچنین اینها به جلب حمایت‌های مادی و معنوی از سیاست‌ها در سطح ملی و بین‌المللی نیز کمک می‌کنند.

2) استفاده از تجربیات سایر کشورها:

آشکار است که مطالعه دقیق موفقیت‌ها و بهترین شیوه‌های اجرایی واقعی سیاست‌گذاری امری ضروری است. ضمناً، تحلیل موارد شکست و ارزیابی آنها نیز می‌تواند در طرح‌ریزی، برنامه‌ریزی و

اجرای سیاست‌گذاری بسیار مفید باشد. با مطالعه این تجارب واقعی می‌توان از ابتلاء به ناکامی‌هایی که سایر کشورها در گذشته با آنها مواجه شده‌اند اجتناب کرد و از شیوه‌های موفق بهره جست.

3) مشارکت دادن سهم‌بران: تدوین و

اجرای سیاست‌گذاری فعالیتی است که نیازمند پشتیبانی افراد و مؤسسات بسیاری است. بخصوص وقتی گروهی از اشخاص مهم و علاقه‌مند در این کار پیشقدم می‌شوند باید دامنه افراد درگیری تاحدی گسترش یابد که همه سهم‌بران و تصمیم‌گیرندگان اصلی را دربرگیرد و همه آنها باید به سرعت به این کار بپیوندند. در فرآیند سیاست‌گذاری، کنترل و استفاده از نیروی تهي‌چ‌کننده‌ای که حاصل شادابی حضور در این کار است اهمیت بسیاری دارد؛ همچنین باید از نگرش‌های منفی که ممکن است به دلیل تحقیر، بی‌اعتنایی یا از دور خارج کردن سهم‌بران از فرآیند سیاست‌گذاری به وجود آید جلوگیری شود.

4) معرفی روش‌های کار جمعی: در حوزه توسعه

زبان و اصطلاحات بهترین نتایج هنگامی به دست می‌آید که زبان‌شناسان، اصطلاح‌شناسان و متخصصان حوزه‌های علمی در کارگروه‌هایی با یکدیگر مشارکت کنند، چرا که معمولاً هر گروه

از این متخصصان دانش و تجربه خاصی دارد که می‌تواند در این فرایند پیچیده به کار آید:

- دانش حوزه‌ای (دانش مفهومی)؛
- دانش زبانی و تا حدی زبان شناختی (مربوط به آن حوزه و آن زبان)؛
- دانش اصطلاح‌شناسی (روش‌های کاری که خلأ بین این دو مقال را پر می‌کنند).

با این حال، برنامه‌ریزی روال کار و مدیریت گردش‌کار مربوط به آن برای کار گروهی رایانه‌ای¹ شبکه - بنیاد باید بسیار دقیق انجام شود تا کارآیی و تأثیر لازم را داشته باشد. البته تحقق این کار ممکن است طولانی باشد.

5) آغاز هرچه سریع‌تر پرورش نیروی

انسانی: سیاست‌گذاری برای اصطلاحات برنامه‌ای ایستا نیست بلکه ابزاری پویاست که باید آن را با شرایط متغیر جامعه زبانی سازگار کرد. با توجه به ماهیت میان‌رشته‌ای اصطلاح‌شناسی و کاربردهای آن، باید تعداد بسیاری از متخصصان آموزش‌دیده به اجرای آن مبادرت ورزند. آموزش نظری و عملی این متخصصان باید در اسرع وقت آغاز گردد تا سیاست‌گذاری با موفقیت و به دور از مشکلات اجرا شود.

1. computer supported cooperative work (CSCW)

6) ایجاد آگاهی در کل جامعهٔ زبانی:
سیاست‌گذاری برای اصطلاحات تنها در صورتی با موفقیت اجرا می‌شود که به اطلاع مخاطبان آن برسد و مورد قبول آنها قرار گیرد.

ضمیمه - اصطلاحات به‌کار رفته در این راهنما

به منظور روشن‌تر شدن مطالب این راهنما برخی اصطلاحات کلیدی آن را توضیح می‌دهیم. لطفاً برای اصطلاحات استاندارد واژگان اصطلاح‌شناسی و تعاریف دقیق آنها به استاندارد بین‌المللی ایزو 1087:2000 مراجعه کنید.

ارتباطات¹: (در این سند:) ارتباط بین انسان‌ها به صورت نوشتاری یا گفتاری یا به صورت ارتباط غیر کلامی

برنامه‌ریزی ارتباطات²: (در این سند:) فعالیت برنامه‌ریزی مربوط به ارتباط بین انسان‌ها که شامل **برنامه‌ریزی زبان و برنامه‌ریزی اصطلاحات** می‌شود، چه این فعالیت دقیقاً معطوف به زبان باشد یا به طور کلی سازمانی، فنی و زیرساختی باشد

واژه‌شدگی³: فرایندی زبانی که طی آن اصطلاحات (که مفاهیم زبان تخصصی را بازنمایی می‌کنند) به واحدهای واژگانی (مانند واژه‌ها) در زبان عمومی تبدیل می‌شوند (نگاه کنید به اصطلاح‌شدگی)

حوزه⁴: (در این سند:) موضوعی علمی - فنی یا هر زمینه تخصصی

ارتباطات حوزه‌ای¹: (مترادفات:) ارتباطات تخصصی؛ ارتباطات علمی - فنی؛

-
1. communication
 2. communication planning
 3. de-terminologization
 4. domain

ارتباطات حرفه‌ای ——— توجه: ارتباطات فنی؛ ارتباط بین انسان‌ها در یک حوزه که به مفهوم کاربردی شامل موضوعات تخصصی علمی - فنی و سایر حوزه‌های تخصصی می‌شود **زبان عمومی²**: (مترادف) زبان روزمره؛ زبانی که یک جامعه زبانی معمولاً برای مقاصد / کارهای روزمره خود از آن استفاده می‌کند

-
1. domain communication
 2. general purpose language (GPL)

فناوری‌های زبانی¹: فناوری‌هایی که دانش زبانی را در توسعه سامانه‌های رایانه‌ای به کار می‌گیرند تا بتوانند همه صورت‌های زبان را تشخیص دهند و درک و تعبیر و تولید کنند. هدف نهایی این فناوری‌ها فراهم آوردن برنامه‌های کاربردی است که تعامل مستقیم انسان با رایانه را ممکن سازند.

مهندسی زبان²: حوزه‌ای که به پردازش زبان طبیعی³ می‌پردازد

برنامه‌ریزی زبان⁴: (در این سند:) فعالیت برای توسعه زبان، مرکب از شیوه‌ها و رویکردهای از قبیل: اصطلاح‌شناسی و واژگان‌نگاری، مدیریت اصطلاحات، ترجمه و مدیریت ترجمه، و رویکردهای روبه‌گسترش پیکره‌بنیاد (مانند استخراج اصطلاح، تحلیل پیکره برای شناسایی نوواژه‌ها در گفتمان‌های مختلف، ...)

نکته: استفاده از فناوری‌های زبانی در برنامه‌ریزی زبان همچون سایر حوزه‌های مرتبط با زبان در حال افزایش است.

هنجار زبانی⁵: مجموعه‌ای از قراردادهای زبانی که معیار زبانی مشترک یک جامعه زبانی تلقی می‌شود

-
1. human language technologies (HLTs)
 2. language engineering
 3. natural language processing (NLP)
 4. language planning
 5. linguistic norm

نکته: ممکن است گونه‌های بسیاری (مانند گویش‌ها) وجود داشته باشند که قراردادهایشان منطبق بر هنجارهای زبانی نباشد.

سیاست‌گذاری ملی برای اصطلاحات¹: راهبرد عمومی تدوین‌شده در سطح تصمیم‌گیری سیاسی یک کشور یا در سطح یک جامعه زبانی نسبتاً خودمختار (درون کشور یا منطقه‌ای که در طول مرزهای دو یا چند کشور امتداد دارد) با هدف توسعه یا سامان دادن اصطلاحات موجود یا در حال تکوین با اهداف متفاوت

پردازش زبان طبیعی²: فعالیتی پژوهشی و توسعه‌ای برای طراحی و ساخت نرم‌افزارهایی که زبان‌های انسان را تولید، درک و تحلیل کنند

زبان تخصصی³: زبان مورد استفاده متخصصان با مجموعه‌ای بزرگ یا کوچک از اصطلاحات و قراردادهای زبانی خاص آن حوزه

ارتباطات فنی⁴: (متراادفات:) نگارش فنی؛ مستندسازی فنی؛ (در این سند:) تهیه اسنادی که به زبان تخصصی نوشته شده‌اند یا عمدتاً چینی زبانی دارند

ابزارهای اصطلاح‌شناختی⁵: نرم‌افزار کاربرد اصطلاحات؛ مانند، سامانه مدیریت

-
1. national terminology policy
 2. natural language processing (NLP)
 3. specialized language
 4. technical communication
 5. terminological tool

اصطلاحات (سیا)¹ که به روش‌های مختلف به داده‌های اصطلاحی سروسامان می‌دهند

واژگان²: مجموعه‌ای از نام‌گذاری‌هایی که در زبان‌های تخصصی مورد نظر به‌کار می‌رود

اصطلاح‌شدگی³: فرایندی زبانی که طی آن واحدهای واژگانی (مانند واژه‌ها) زبان عمومی به اصطلاح (که مفاهیم زبان تخصصی مورد نظر را بازنمای می‌کند) تبدیل می‌شوند (نگاه کنید به واژه‌شدگی)

پایگاه داده‌های اصطلاحی (پدا)⁴: پایگاهی که داده‌های آن اصطلاحات تک‌زبانه یا چندزبانه است و بر مبنای نیازهای جامع‌ه زبانی مورد نظر، در سطح کشوری، جامع‌ه زبانی یا محلی، تهیه می‌شود

سامانه مدیریت اصطلاحات (سیا)⁵: نرم‌افزاری که برای پردازش داده‌های اصطلاحی به شیوه‌ای معین، طراحی و ساخته شده یا در انواع دیگری از نرم‌افزارهای کاربردی ادغام شده است

بازار اصطلاحات⁶: بازاری متشکل از کاربران و تهیه‌کنندگان محصولات و خدمات اصطلاح‌شناسی

برنامه‌ریزی اصطلاحات¹: فعالیت برنامه‌ریزی که به توسعه زبان

-
1. terminology management system (TMS)
 2. terminologies
 3. terminologization
 4. terminology database (TDB)
 5. terminology management system (TMS)
 6. terminology market

می‌پردازد؛ این توسعه بیشتر بر مبنای نیازها و شرایط حوزه‌های ارتباطی صورت می‌گیرد

محصولات اصطلاح‌شناسی²: محصول فعالیت‌های اصطلاح‌شناسی که ممکن است به صورت یک اثر چاپ شده (مانند استاندارد اصطلاح‌شناسی، فرهنگ تخصصی، واژه‌نامه، واژگان و ...)، گردآوری داده‌ها به صورت الکترونیکی (مانند پایگاه داده‌های اصطلاحی) یا ابزارهای اصطلاح‌شناختی باشد

علم اصطلاح‌شناسی³: موضوعی تخصصی که به بررسی ساختار، شکل‌گیری، توسعه، کاربرد و مدیریت اصطلاحات در حوزه‌های مختلف می‌پردازد و مبنای روش‌شناختی برای بسیاری از کاربردها به دست می‌دهد

خدمات اصطلاح‌شناسی⁴: خدماتی مبتنی بر کاربرد اصول و روش‌های اصطلاح‌شناسی، داده‌های اصطلاحی یا ابزارهای اصطلاح‌شناختی؛ مانند، پژوهش‌های سفارش داده شده، مشاوره و خدمات آموزشی، اطلاعات و مستندسازی اصطلاحات، برون‌سپاری و ...

-
1. terminology planning
 2. terminology product
 3. terminology
 4. terminology services

گزیده منابع

1. Anita, Basse E. Terminology and Language Planning: an alternative framework of discourse and practice. Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins, 2000.
2. Bamgbose, Ayo. Language and the nation. The language question in sub-Saharan Africa. Edinburgh: Edinburgh University Press, 1991.
3. Cobarrubias, Juan; Fishman, Joshua A. [eds.]. Progress in Language Planning. International Perspectives. Berlin/New York: Mouton, 1983.
4. Cooper, Robert L. Language Planning and Social Change. Cambridge: 1989.
5. Department of Arts and Culture of the Republic of South Africa. National Language Policy Framework. Final Draft. Pretoria: DAC, 2002.
6. Gadelii, Karl Erland. Language Planning. Theory and Practice. Evaluation of language planning cases world-wide. Paris: UNESCO, 1999.
7. Galinski, Christian; Budin, Gerhard; de V. Cluver, A.D. Terminologieplanung und Sprachplanung. In: Hoffmann, L.; Kalverkämper, H.; Wiegand, H. E. [eds.]. Fachsprachen/ Languages for Special Purposes. Ein internationales Handbuch zur Fachsprachenforschung und Terminologiewissenschaft. Berlin/New York: deGruyter, 1999.
8. Laurén, Christer; Myking, Johan; Picht, Heribert. Language and domains: a proposal for a domain dynamics taxonomy. LSP and professional communication, vol. 2, 2002, p. 23-30.
9. Montviloff, Victor. National information policies. A handbook on the formulation, approval, implementation and operation of a national policy on information. Paris: UNESCO (publication PGI-90/WS/11), 1990

10. Rubin, Joan; Jernudd, Björn [eds.]. Can Language Be Planned? Sociolinguistic Theory and Practice for Developing Nations. Hawaii: University Press of Hawaii, 1971.
11. Sager, Juan C.; Nkwenti-Azeh, B. Terminological problems involved in the process of exchange of new technology between developing and developed countries (Study on recent developments in the relationship between science, technology and society in different economic, social and cultural contexts). Paris: UNESCO Document No. 59, 1989.
12. UNESCO. Recommendation on the promotion and use of multilingualism and universal access to Cyberspace (32C/Resolution 41). Paris: UNESCO, 2003.
13. Wright, Sue Ellen; Budin, Gerhard [eds.]. Handbook of Terminology Management. Amsterdam/ Philadelphia: John Benjamins Publishing, 1997 (vol. 1), 2001 (vol. 2).

Pertinent International Standards of ISO (International Organization for Standardisation):

1. ISO 639-1: 2002 Code for the representation of names of languages – Part 1: Alpha-2 code (ISO 639-1/RA – Registration Authority for the maintenance of the code: Infoterm (http://linux.infoterm.org/infoterm-e/raiso639-1_start.htm))
2. ISO 639-2: 1998. Code for the representation of names of languages – Part 2: Alpha-3 code (ISO 639-2/RA – Registration Authority for the maintenance of the code: Library of Congress (<http://lcweb.loc.gov/standards/iso639-2/>))
3. ISO 704: 2000 Terminology work—Principles and methods
4. ISO 860: 1996 Terminology work—Harmonization of concepts and terms (under review)
5. ISO 1087-1: 2000 Terminology—Vocabulary—Part 1: General Concepts

6. ISO 1087-2: 2002 Terminology work—Vocabulary—Part 2: Computer applications
7. ISO 1951: 1997 Lexicographical symbols particularly for use in classified defining vocabularies (under revision)
8. ISO 10241: 1992 Preparation and layout of international terminology standards (under revision)
9. ISO 12199: 2002 (E) Alphabetical ordering of multilingual terminological and lexicographical data represented in the Latin alphabet
10. ISO 12200: 1999 Computer applications in terminology—Machine-readable terminology interchange format (MARTIF)—Negotiated interchange
11. ISO 12616: 2001 Translation-oriented terminography
12. ISO/TR 12618: 1994 Computer aids in terminology—Creation and use of terminological databases and text corpora (under revision)
13. ISO 12620: 1999 Computer applications in terminology—Data categories
14. ISO 15188: 2001 Project management guidelines for terminology standardisation
15. ISO 16642: 2003 Computer applications in terminology—Terminology Markup Framework (TMF)

International Standards in Preparation:

1. ISO/AWI 860 Terminology work—Harmonization of concepts and terms (Revision of ISO 860: 1996)
2. ISO/WD 1951 Presentation/Representation of entries in specialized dictionaries (Revision of ISO 1951: 1997)
3. ISO/WD 10241 International terminology standards—Preparation and layout (Revision of ISO 10241: 1992)
4. ISO 12615: 2004 Bibliographic references and source identifiers for terminology work

5. ISO/PWI 12620-2 Computer applications in terminology–
Data Categories–Part 2: Terminological data categories
(Revision of ISO 12620: 1999)
6. ISO/NP 21829 Terminology of language resource
management
7. ISO/PWI 22128 Quality assurance guidelines for
terminology products
8. ISO/AWI 22134 Terminology in sociolinguistic application
9. ISO/WD 24613 Lexical Markup Framework (LMF)

Guidelines For Terminology Policies

N. Davari Ardakani
A. Zarnikhi

این راهنما برای برنامه‌ریزان حوزه اصطلاحات در هر سطح و با هر هدف و انگیزه‌ای مفید و قابل استفاده است. در واقع این راهنما برای طرح‌ریزی، برنامه‌ریزی و اجرای سیاست‌گذاری تهیه شده است که با رویکردی آگاهانه، سامانمند و کنترل شده در صدد وضع، حفظ و کاربرد اصطلاحات در جوامع زبانی معین یا برای چنین جوامعی است.

برنامه‌ریزی اصطلاحات در بسیاری از کشورها فعالیتی مهم قلمداد می‌شود و در سطح ملی، منطقه‌ای، کشوری، محلی، نهادی یا سازمانی انجام می‌گیرد. در ضمن، این کار در حوزه‌های تخصصی مختلف مانند شیمی، زیست‌شناسی، فیزیک، پزشکی و ... نیز انجام می‌شود. به‌علاوه، کار اصطلاح‌شناسی جزئی از فعالیت‌های معیارسازی و هماهنگ‌سازی در صنعت و در سایر حوزه‌هاست.



Iranian Research Institute
for Scientific Information & Documentation
(IRANDOC)
www.irandoc.ac.ir

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۵۱۹-۵۴-۰۰
ISBN: 978-964-7519-54-0

ISBN: 978-964-7519-540



9 789647 519540